بسم الله الرحمن الرحيم

ناشر برگزیدهٔ سال ۱۳۷۳

برگزیدهٔ چهاردهمین دورهٔ
کتاب سال جمهوری اسلامی ایران

۱۳۷۵

فرهنگنامهٔ قرآنی

فرهنگ برابرهای فارسی قرآن بر اساس ۱۴۲ نسخهٔ خطی کهن

محفوظ در کتابخانهٔ مرکزی آستان قدس رضوی

فرهنگنامهٔ قرآنی

فرهنگ برابرهای فارسی قرآن براساس ۱۴۲ نسخهٔ خطّی کهن
محفوظ در کتابخانهٔ مرکزی آستان قدس رضوی

جلد ۵

واژه یاب فارسی

تهیه و تنظیم

گروه فرهنگ و ادب اسلامی

سید محمود خسروانی شریعتی، حسین ادیالباف مقدم
سید حسن مدرسی، عباس هوتکانی، اصغر ارشاد سرابی

با نظارت

دکتر محمد جعفر یاحقی

شابک	۸ - ۰۲۱ - ۴۴۴ - ۹۶۴
ISBN	964 - 444 - 021 - 8

بنیاد پژوهشهای اسلامی
آستان قدس رضوی

فرهنگنامهٔ قرآنی

فرهنگ برابرهای فارسی قرآن براساس ۱۴۲ نسخهٔ خطی کهن
محفوظ در کتابخانهٔ مرکزی آستان قدس رضوی
جلد پنجم (واژه‌یاب فارسی)

تهیه و تنظیم
گروه فرهنگ و ادب
بنیاد پژوهشهای اسلامی
با نظارت
دکتر محمدجعفر یاحقی
حروفچینی: محمدعلی علاقه‌مند ـ مرکز کامپیوتر
چاپ اول: ۱۳۷۶
۱۵۰۰ نسخه، وزیری
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مؤسسهٔ چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی
قیمت: ۱۴۰۰۰ ریال

مشهد ـ ص.پ ۳۶۶ـ۹۱۷۳۵ تلفن ۵ ـ ۸۲۱۰۳۳

شابک	۹ - ۰۱۲ - ۴۴۴ - ۹۶۴
ISBN	964 - 444 - 012 - 9

إِنَّ هَٰذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ

این قرآن راه می نماید به آنچه راست تر است و پاینده تر.

اسراء (۱۷) آیه ۹

الْقُرْآنُ

مَأْدُبَةُ اللهِ فَتَعَلَّمُوا مَأْدُبَتَهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ

قرآن خوان گسترده پروردگار است تا آن جا که می توانید راه بهره مندی از این خوان را فرا گیرید.

بحار الانوار ج ۹۲، ۱۹

بسم الله الرحمن الرحیم

کتاب سال جمهوری اسلامی ایران

جناب آقای دکتر محمد جعفر یاحقی و همکاران

اهتمام ارزندهٔ شما در

تألیف کتاب فرهنگنامهٔ قرآنی

نشان بارزی است از عنایت والایی که به فعالیتهای فرهنگی و عمل به وظیفهٔ عالمان و اهل قلم متعهد دارید و از این رو شایان ارج و احترام بسیار است.

کتاب و کتابت وسیلهٔ ارجمندی برای اشاعهٔ فرهنگ و نماد شکوفایی و بالندگی فرهنگی است؛ جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظامی مبتنی بر میراث فرهنگ عظیم و غنی اسلام و ایران خود را موظف به حراست از حریم قدسی قلم و حمایت و تقدیر از اهل قلم می داند. در این نظام که بنیانگذار کبیر آن فقیه و حکیم و عارفی بزرگ بود و رهبر بزرگوار آن، خود عالم و ادیبی بنام است تلاشهای اصیل فرهنگی، به ویژه در عرصهٔ تحقیق و تألیف و ترجمهٔ شایسته قرار گرفتن در جایگاهی رفیع است. از شما به سبب سهمی که در این امر خطیر داشته اید قدردانی می کنم.

اکبر هاشمی رفسنجانی

رئیس جمهوری اسلامی ایران

به نام آنکه جان را فکرت آموخت

درست در همان روزهایی که مقدمهٔ جلد پنجم فرهنگنامهٔ قرآنی حروفچینی می‌شد (بهمن ماه ۱۳۷۵) کتاب فرهنگنامهٔ قرآنی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران اعلام گردید. لوح تقدیر بالای صفحه به این مناسبت در روز سیزدهم بهمن ماه ۱۳۷۵ برابر با دههٔ مبارک فجر **با دست رئیس جمهور محترم اسلامی ایران** به مؤلف کتاب اهدا شد که به عنوان تیمّن در آغاز مجلّد پایانی کتاب به چاپ می‌رسد.

مؤلف و همکارانش در گروه فرهنگ و ادب، بیشتر از آن که این موفقیت را به کوشش بی‌دریغ چندین سالهٔ خود مربوط بدانند، برآنند که بزرگی نام قرآن و انتساب آن به آستان مقدّس امام علی بن موسی‌الرضا علیه آلاف التحیة والثناء، موجب این توفیق بوده است. خدای بزرگ را بر این امر و نیز توفیق اتمام این کار سترگ سپاس می‌گویند.

إِنَّهُ خَيْرُ ناصِرٍ وَ مُعِينٍ

بسم‌الله الرّحمن الرّحیم

دیباچه

خداوند بخشاینده و بخشایشگر را سپاس می‌گزارم، که این توفیق را به من ارزانی داشت که توانستم ـ با یاوری همکاران دیرینم در گروه فرهنگ و ادب اسلامی بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی ـ کاری را که بیست و هشت سال پیش (۱۳۴۸) با شور و شوق فراوان آغاز گشته بود، به سرانجامی نیک نزدیک کنم، یعنی تدوین کتاب عزیز و کرامند ***فرهنگنامهٔ قرآنی*** را که شادروان دکتر احمدعلی رجایی بخارایی در آن سالها در جنب کتابخانهٔ آستان قدس رضوی آغاز کرده بود، به این صورت که می‌بینید به پایان برم ذلک فضل‌الله یُؤتیه مَنْ یَشاء، والله ذوالفضل العظیم.

بیست و هشت سال برای تألیف یا دست‌کم مباشرت در کار تألیف یک کتاب زمان کمی نیست، یعنی افزون از یک‌ربع قرن، یا به‌عبارتی عمر مفید یک انسان. این بیست‌وهشت سال، بویژه برای من که اصلی‌ترین بخش عمرم را در آن گذرانیده‌ام ـ اگر فایدتی بر آن عمر مترتب باشد ـ سرشار است از خاطره‌های تلخ و شیرین و سایه‌روشنهای دلپذیر، که تنها بخشی از آن لذّت ناشی از انس با معانی دقیق و شیرین قرآن کریم است و زیستن با شهد گوارندهٔ واژه‌های ناب؛ و خدای را بر همه چیز سپاس، که به مصداق جٰاوِزْ بَحْراً اَوْغَنِیًّا من بنده هم، چون حافظ «هر چه کردم همه از دولت قرآن کردم»، و بعد هم انس با سخن شیرین پارسی و پیام پارسایی نیاکان که در سینهٔ مصاحف کهن برایم به امانت گذاشته بودند.

از آن روز که در پاییز سال ۱۳۴۸ به من تکلیف شد شرحی دربارهٔ فرهنگنامهٔ قرآنی بنویسم و چند ماه بعد که با شوق و شور فراوان نخستین مقالهٔ خود را با عنوان «فرهنگنامهٔ قرآنی» چاپ کردم، تا چهار سال پیش که نخستین مجلّد فرهنگنامه به بازار آمد و امروز که این واپسین سطور کتاب را می‌نویسم، و تا چند روز یا چند ماه دیگر که به دست شما برسد،

همواره بخشی از دغدغه‌های علمی و پژوهشی اندکم را همین کتاب و پرتوهای درخشان ناشی از آن تشکیل داده است و این را برای خود کامیابی مضاعفی می‌دانم که همگان را باری به آسانی میسّر نمی‌شود.

زبان فارسی به عنوان زبان دوم دنیای اسلام و به منزلهٔ دست راست فرهنگ سرشار اسلامی برای اشاعه و گسترش این دین آسمانی بویژه در شرق، نقش اوّل را داشته و بس که با مفاهیم بلند قرآن همنوایی و همنشینی پیدا کرده به مرز قداست نزدیک شده است؛ زبانی که از طریق سلمان محمّدی با مبدأ وحی ارتباط یافته و به عنوان زبان نخستین تمدّنی که اسلام را پذیرفته این افتخار را پیدا کرده که واژه‌هایی از آن بر زبان پیامبر گرامی اسلام بگذرد[1] و از کجا که همین امر سبب نشده باشد که زمینه برای ترجمهٔ قرآن و مفاهیم اسلامی به این زبان از همهٔ زبانها زودتر فراهم آید.

به موضوع ترجمه‌های پارسی قرآن و چگونگی پیدایی، گسترش و جاافتادگی آن در مقدّمهٔ جلد نخستین این فرهنگنامه به فشردگی و کوتاهی اشاره‌هایی رفته است، که به تکرار آن حاجت نیست. آنچه علاوه بر آن، لازم است در این جا مورد تأکید قرار گیرد توانایی و اهمیّت زبان پارسی در گردانش معانی قرآنی است. اگر نه یکایک این قرآنها که مجموع آنها دست کم این حقیقت را آشکار می‌سازد که بواقع هیچ کلمه یا تعبیر قرآنی نیست که برای آن در فارسی معادل یا معادلهایی وجود نداشته باشد. این نکته وقتی مورد تأکید قرار می‌گیرد که بدانیم بسیاری از واژه‌های قرآنی منحصراً اصطلاح دینی و اسلامی است که از متن زبان قریش و ادبیات سرفراز و غنی عربی اقتباس شده و به سنن و آداب و زندگی دیگر ملّتها کوچکترین ارتباطی پیدا نمی‌کرده است. گذشته از این‌ها برخی از ترجمه‌های قرآن تا حدّ یک متن استوار ادبی و فصیح اهمیّت دارد و می‌تواند جداگانه برای خواننده و پژوهندهٔ ترجمه‌ها و متون پارسی مورد توجّه باشد.

در این فرهنگنامه سودمندیها و اهمیتهایی نهفته است که شاید چهار مجلّد پیشین با ترتیب واژه‌های قرآنی نتواند همگی آنها را چنان که بایسته است بنمایاند. به همین دلیل لازم آمد برای آن فهرستی به ترتیب واژه‌های فارسی ترتیب دهیم تا برخی دیگر از این فایده‌ها برای جویندگان دستیاب گردد، یعنی آنان که به دنبال واژه‌ای ناب اعم از ادبی، لهجه‌ای،

---

۱ ـ رک: دکتر محمّد محمّدی، *تاریخ و فرهنگ ایران*، ج اوّل، انتشارات یزدان، تهران ۱۳۷۲، ص۳۰۲ پاورقی.

دستوری و غیره می‌گردند زودتر به مقصود برسند.

در این فهرست که به صورت الفبایی تنظیم یافته تا دستیابی به مقصود برای جوینده آسان باشد، درهم شدهٔ فارسی تمام واژه‌ها اعمّ از بسیط، مرکب، اصطلاح، تعبیر، کلمه‌های هم شکل امّا با حرکات متفاوت حتی حروف و وندها و روابط آمده و بنابر این گستره و حجم کار را افزون کرده است. تا آن جا که بسیاری از فوائد ریزتر اما مهم و درخور توجّه، از آن جمله واژه‌های غریب و ناشناخته، موردهای لهجه‌ای، ساختهای مهجور و کم نمونهٔ دستوری، ابدالهای بدیع و بی‌مثال، در لابلای انبوه واژه‌ها ـ که اغلب عادی و معمولی به نظر می‌رسد ـ گُم می‌شود، یا چنان که بایسته است به نظر نمی‌آید.

برای آن که توجّه خوانندهٔ گرامی و پژوهندهٔ خواهنده را بیشتر به این‌گونه موارد جلب کنیم، ناگزیریم از هر مورد دست کم نمونه‌هایی به دست دهیم و جوینده را برای یافتن موارد همانند به متن فهرست و دقت در جزئیات آن حواله دهیم:

الف ـ واژه‌ها و مصدرهای غریب و کم‌استعمال

ابرأیز (در برابر ظُلَل)، آویسه، باور (در برابر محراب)، برزشت، بژدر، بگیاشت، تمو، ذجهد، رشت، رویجه، زوز، سرشف سپند، فریجاب، فالین، کاژ، کالم، کریشک، کسه، کندای، کوره، کونسته، کوهل، کویلکها، کینوا، گردامون، گوریهیده، گندادی، میلسو، مکل، مای، نفوساکام، نهمادبادان، نیاوه، وکذه، آلوفج خواندن، آویژکردن، اندخسیدن، اوناییدن، برستون کردن، بشخوا وص‌وص کردن، پشخیدن، حنایشت کردن، دردوستاندن، دوسانیدن، دوستن، سنگ ویژکردن، ستیزه و بژر جستن، شخشانیدن، شوکسه، شوهنگ کردن، کچیل کردن، تدست بردن، کلانیدن، کچیلیدن، گویشتن، مالستن، مجیدن، شمیدن، نگسیدن، هکوی کردن.

ب ـ صورتهای گویشی

بگرج‌کردِه، بگوادشیم، بیشنواند، پوسها، برفراشد، سخون، شکوب، جنده / جهنده، چفشیده، خیشی، زیوش، شاریدن، کاجکی، گلوا اوشرده / گلو افشرده، گوک (گوساله)، گوم / گم، گوناه / گناه، گوه، گیه، کهیسته، لوره، مانگان، مژه / مزه، نسها، نوانزده / نوزده.

ج ـ ابدالهای غریب و سزاوار توجّه

اوروخته / افروخته، اوزونی / افزونی، بَزند / گزند، بگیازد / بگدازد، تابان / تاوان، توه / تبه، توسیدن / ترسیدن، جاذگاه / جایگاه، جُشنگی / تشنگی، خسته / هسته، زِقانه / زبانه، شتوانیدن / شتابیدن، قام / وام، فروغتن / فروختن، فَرهیو / فریب، فوستان / بوستان، کراغ / کلاغ، گوهیده / گوییده، ویجب / واجب، وس / بس.

د ـ موارد دستوری کمیاب

آوردتـیش، پس روی کـردمانی، پسـندیدار، پـوستانها، دروشـیدار، جـدا کـرده شـهد، دربردمانی، دروشیدار، رسیدار، رفتمانی، زنینه، شدار، فراخای، کامستی، گـردن بـردگی، نویسانیدن، ورآمدشداران.

هـ ـ ترکیب‌سازی‌های قابل توجّه و خوش‌آهنگ

بافروزش، بهزی‌دادن، پَای بَستَی نُـه شُـوی‌مندُ و نـه بَـیوَه، پـیش‌گاهان، خـوش‌منشی، رای‌مست، زه‌برزادگان، سنگ‌ویژ، گورده کرده، نهفت نـیازان، دنـدان بـرهنه کـردن، دنـدان سپید کردن (خندیدن)، در پاشنگ وازگشتن، آب‌باز، بدینخانه، پای‌مزد، پروانی جویندگان، دورآهنگ، سرزدگی، ناگنجا، نره‌آب، هوسپاس.

و ـ املاها و رسم‌الخطهای قابل توجّه

باذدارنده / بازدارنده، صُرخان / سرخان، گذاف‌کاری / گـزاف‌کـاری، عـصل / غسـل، طلخ / تلخ، بی‌نش / بینش، پیش‌وایان، سطبر / ستبر، جذ / جز.

ز ـ معادلهای گونه‌گون برای یک واژهٔ قرآنی

برای هر یک از واژه‌های زیر برابرهایِ متعدد در ردیف خود آمده است که نمونه‌هایی از آن را در این جا می‌آوریم:

أَئِمَّة: پیش‌روان، پِیشَوایَان، پیش‌رَوَان و سَرهوایان، پیش‌گاهان، پـیش‌وایـان، پـیش‌روآن، سرهنگان، مهتران، راه‌نمای، راهنما، گروهان، پیشروان.

حَمَاء: خلیش، غریفج، غریوج، نهل، غریژن، لَوش، رش، لای، لجین، طلعس، گل‌گنده، لیژن، گلی ناخلیش.

دَابَّة: موجنده، جُهَنْدَه، جنبِیدَهَ، رومیژ، رنده، ستور.

سلوی: ورتیج، شُمانه، کرجفوا، سامانهٔ بریان، ترنگبین، وتیج، وشم، مرغ زودرنام، شمانه، ولج.

عُرُوش: کاز، سِفدهَا، کوشکها، سقف، کاژها، سفیده‌ها، شتفتها، اسکامها، چفتها، پایها، آسماءان، پوششها، بامها، بلندیها.

عنکبوت: کَرَاتَنه، غنده تننده، جولاهک، حوراهکت، کرتینه، کراتن، غنده، کارتن.

فخّار: سخال، کلوزه، جوسقال، دَاش، سفالینه، سفالو، سفار، خزف، کوزه‌گر، داشگر، گل بآتش پخته، سفاله.

قُمَّل: زیفج، دیفر، دِیفِش، دیفژ، زْهِیج [1]، سنه، کبارکنها، شُپِشُ، اشپشه، کِنَهْ، ملخ ناپر، ملخ پیاده وسوس.

مُکَـاء: شـپلیدن، شـبیلدین، شـخولیدن، بشـخوا وُص‌وص کـردن، بـانگ کـردن بـلب، شنیوه‌زدن، شخیوه زدن، شپیلو زدن، شوشست، سرودان.

از روزی که اندیشهٔ تدوین فرهنگی عربی ـ فارسی براساس قرآنهای مترجم آستان قدس در ذهن روان‌شاد دکتر احمدعلی رجایی پدید آمد تا پنج سال پیش (تیرماه ۱۳۷۲) که مجلد نخستین آن منتشر گردید، بیست‌واند سال به درازا کشید. طیّ این ربع قرن علاوه بر مقالهٔ مبسوطی که در چگونگی تشکیل سازمان فرهنگنامه و کیفیت تدوین کتاب نوشته شد، در جاهایی با یادآوری این مطلب، بویژه پس از آن که از سال ۱۳۵۳ به مدّت ده سال سازمان فرهنگنامه به تعطیلی کشیده شد، در واقع یاد و خاطرهٔ فرهنگنامه زنده ماند تا روزی که بعد از انقلاب اسلامی بار دیگر زمینه برای طرح دوبارهٔ آن فراهم گردید.

برای آن که این دیباچه در واقع تکمله‌ای باشد برای مقدّمه‌ای که بر نخستین مجلد این کتاب نوشته‌ام و تاریخچه و تداوم کار را بخوبی نشان بدهد، در این جا بخشهای عمدهٔ مقالهٔ «فرهنگنامهٔ قرآنی» را که در سال ۱۳۴۹ در ***نامهٔ آستان قدس*** دورهٔ هشتم، شمارهٔ چهارم چاپ شده، و اینک از دسترس خوانندگان به دور است، عیناً نقل می‌کنم:

> کتابخانهٔ آستان قدس میراث فرهنگی قوم مسلمان ایرانی است که بسیاری از یادگارهای تمدن این ملت را در دل خویش جای داده و گنجینه‌ای از نفائس دینی و

---

۱ ـ این کلمه در متن به اشتباه «هیچ» ضبط شده است که بدین‌وسیله تصحیح می‌شود.

فرهنگی ایران بزرگ به‌شمار می‌رود.

از جمله نفایس این دفینهٔ بزرگ مجموعهٔ قرآنهای خطی آن است که مسلمانان پاک‌اعتقاد این سرزمین طی روزگاری دراز بر روضهٔ رضویّه وقف کرده‌اند و بتدریج به کتابخانه منتقل شده است.

هزارها قرآن خطی نفیس که ره‌آورد ذوق و هنر و ایمان این قوم به شمار است، سالیان دراز در انبارهای تاریک این کتابخانه با گردوغبارها راز گفت و به انتظار نشست آخر سپیده دمید و شب انتظار به سر آمد.

استاد دکتر احمدعلی رجائی، مدیرکل امور فرهنگی و کتابخانه‌های آستان قدس در اولین روزهای سرپرستی خویش ضمن بررسی این قرآنهای خطی به ترجمه‌های پارسی بسیار کهن در بین این قرآنها برخوردند، پس از بررسی و مطالعهٔ چند نسخه از ترجمه‌های پارسی و بخصوص پیدا شدن نسخه‌ای قدیمی و بس ارزنده که از نظر ترجمهٔ پارسی بی‌نظیر است[۱] این اندیشه پیش آمد که این لغات و ترکیبات پارسی سره و برابرهای دقیق کلمات عربی که هم اکنون بسیاری از آنها مرده و حتی در فرهنگهای قدیم ما هم نیست شایستهٔ بررسی دقیقتری می‌باشد. به همین منظور مقدار بیشتری از این قرآنهای مترجم مورد مطالعهٔ ایشان قرار گرفت.

اینجا بود که استاد رجایی برای تدوین فرهنگنامهٔ قرآنی براساس لغات فارسی سرهٔ این قرآنها دست به کار شد و با کمک چند تن از دانشجویان علاقه‌مند دانشکدهٔ ادبیّات مشهد کارهای مقدّماتی را آغاز کرد. و آن عبارت بود از جدا کردن تمام قرآنهای مترجم، از قدیم و جدید و پس از آن صفحه‌شماری و تهیهٔ فهرست برای هر یک با دقت هر چه بیشتر با این توضیح که تمام این قرآنها بدون صفحه‌شماری و فهرست بود.

کار بیرون کشیدن نسخه‌های مترجم که نخست چندان زیاد نبود، با پیدا شدن متجاوز از چهارصد نسخهٔ قرآن با ترجمهٔ پارسی، فوق‌العاده بزرگ شد و همکاری عدهٔ بیشتری لازم می‌نمود.

نخستین اقدامات این کار از اوّل تیرماه ۱۳۴۸ شروع شد و بتدریج با همکاری هشت نفر از دانشجویان و گسترش زمینهٔ فعالیت تا اوایل آذرماه کار فهرست و صفحه‌شماری

---

۱ ـ این قرآن هم اکنون به نام قرآن شمارهٔ ۴ مورد بررسی و مطالعهٔ ایشان می‌باشد و رساله‌ای مفصّل تحت عنوان «متنی پارسی از قرن چهارم» هم در این زمینه دارندکه در سال ۱۳۴۹از چاپ خارج شد.

تقریباً تمام شد.

نگارنده با وجودی که تقریباً از همان اوایل کار افتخار خدمتگزاری این سازمان را داشته و تعداد زیادی از این گوهرهای تابناک را به دیدهٔ شوق نگریسته و از هر فرصتی برای مطالعه و فیش‌برداری از آنها سود جسته است، ادعا نمی‌کند که بتواند از عظمت این نفایس سخن بگوید. لیکن از سر این مطلب نتواند گذشت که برخی از این قرآنها آن قدر از نظر ترجمه قوی است که زیرنویس آیات خود به صورت نثری دل‌انگیز و استوار درآمده است و از ترجمهٔ لفظ به لفظ و عربی‌مآبانه چنان که در قرآنهای چاپی مترجم معمول است خودداری شده است و توان گفت مترجم تا آنجا که توانسته مفهوم واقعی کلام الهی را برگردانده است.

باید افزود که اعتقاد مترجمین و بطور کلّی تمام مسلمانان مبنی بر این که ترجمهٔ نادرست و مسخ کلام الهی گناهی نابخشودنی است، مترجمین باسواد را بر آن داشته است که برای هر کلمهٔ عربی معنی واقعی و معادل دقیق پارسی آن را بجویند و در ترجمهٔ خویش بیاورند. پرواضح است که چنین اعتقادی تا چه اندازه می‌تواند در صحت و اتقان گزارش کلام مجید مؤثر باشد.

بسیاری از این ترجمه‌ها واجد شرایط مذکور در فوق هست؛ ولی البته گاهگاه مترجمین کم‌سوادی هم بوده‌اند و کارشان گواهی می‌دهد که خوب از عهده برنیامده‌اند، بعضی هم که به دانش خود اطمینانی نداشته‌اند ترجمهٔ پارسی قرآن خویش را از روی قرآنی قدیمی‌تر رونویسی کرده‌اند و این البته اهمیّتش منوط به ترجمهٔ اصل است. به همین منظور ممکن است ما قرآن داشته باشیم که اگر چه در قرون متأخر تحریر یافته ولی ترجمهٔ آن مستند و محکم باشد و این همان مواردی است که کاتب ترجمهٔ خود را از قرآنی قدیمی‌تر اقتباس کرده است.

بدیهی است که از روی این ترجمه‌های استوار می‌توان قوانین و قواعدی متقن برای ترجمهٔ کتب عربی استخراج کرد.

این قرآنها که به فاصلهٔ قرن چهارم تا سالهای اخیر مربوط می‌شد بطور کلّی چند قسمت بود:

نخست: ترجمه‌های بسیار کهن و برابرهای دقیق فارسی که یا فاقد تذهیب بود و یا تذهیب جالبی نداشت ولی تعداد آن نسبتاً قابل ملاحظه بود.

دستهٔ دیگر قرآنهایی که در عین داشتن ترجمه‌های متوسط دارای تذهیب عالی و

دقت و هنرنمایی بود، این قرآنها اغلب کامل است و فقط بعضی‌ها که فرسوده شده با مختصر وصالی و گاه نونویسی و صحافی بعدی کمال یافته و همین قرآنها است که تاریخ کتابت و وقف و نیز نام کاتب و واقف ندارد. بعضی از این قرآنها کامل نیست و برخی هم به صورت سی‌پاره و شصت پاره همراه با ترجمهٔ پارسی می‌باشد که حائز اهمیّت است و یکی از این سی‌پاره‌ها با خط و ترجمهٔ بسیار خوب و پخته می‌باشد که اخیراً یک جلد آن به طریق افست، تحت عنوان «نشریهٔ شمارهٔ ۱ سازمان فرهنگی و کتابخانه‌های آستان قدس» چاپ و منتشر گردید و در دسترس دانش‌پژوهان قرار گرفت.

اضافه می‌کنم که استاد رجایی با تصویب تولیت عظمی و استاندار خراسان در نظر گرفته‌اند هر چند گاه یکی از این جزوه‌های منتخب را به طریق افست چاپ کنند و در اختیار مسلمانان ادب‌دوست قرار دهند تا اثر ذوق و ایمان اجداد خویش را معاینه ببینند و جزوهٔ فوق‌الذکر اوّلین شمارهٔ آن بود. از لابه‌لای اوراق یکی از قرآنهای مترجم این مجموعه قسمتی از ترجمهٔ تفسیر طبری پیدا شده که حدس زده می‌شود قدیمترین نسخه‌ای باشد از این کتاب که به دست آمده و طبق نظر استاد رجایی باید در قرن ششم تحریر یافته باشد. این قسمت از داخل اوراق آن قرآن بیرون آورده شده و در نظر است بطور جداگانه افست شود.[۱]

قطع قرآنهای مورد بحث از ده سانتی‌متر تا یک متر طول و عرض متفاوت است و بعضی از آنها نیز از نظر فن جلدسازی و نقاشی روی جلد دیدنی است. قرآنهایی با قطع جیبی و تذهیبی فوق‌العاده ظریف هم در این مجموعه کم نیست.

بالجمله پس از اتمام کارهای مقدّماتی - فهرست و صفحه‌شماری و دسته‌بندی - طبق روشی که آقای دکتر رجایی به ما دادند کار فیش کردن را آغاز نهادیم. روش ما این است که کلماتی را که به فارسی سره معنی شده با معادل دقیق پارسی و رعایت امانت در ضبط و املای نویسنده و زیر و زبر فارسی روی فیش یادداشت کرده، شمارهٔ صفحه و شمارهٔ قرآن و نیز اسم سوره را درکنار سمت چپ فیش می‌نویسیم البته در ضبط معادل پارسی رسم‌الخط امروز را معمول می‌داریم و مثلاً پ و چ و ژ را، برخلاف قدیم که با یک نقطه نوشته می‌شده، طبق خط امروز با سه نقطه ضبط می‌کنیم. کلماتی را که در

---

۱ - اوراق مذکور بعدها، مقدّمهٔ مبسوط به قلم شادروان رجایی، در شمارهٔ مخصوص *نامهٔ آستان قدس* صفحات ۱۰۳ تا ۱۷۷ به چاپ رسید.

معنیش جزئی عربی باشد رها و به ترجمه‌های خالص پارسی بسنده می‌کنیم مثلاً در ترجمهٔ «آمنوا» از دو معنی «ایمان آوردند» و «گرویدند» فقط دومی فیش می‌شود در ضبط معانی فارسی حتی از حروف و اصوات و روابط هم چشم نمی‌پوشیم. واژه‌های عربی را که با حروف و ضمایر و کلمات قبل و بعد خود متصل می‌شود، موقع فیش کردن به دقّت تا آنجاکه ممکن باشد و به معنی کلمه خللی وارد نیاید تفکیک کرده، آنگاه با برابرهای خود بر روی فیش می‌آوریم. برای مثال کلمهٔ «افبالباطل» نخست به چهار کلمهٔ ا، ف، ب و باطل تفکیک شده آنگاه هرکلمه جداگانه با معنی خویش فیش می‌شود و کلمات مرکب دیگر نیز به همین قیاس.

در موقع فیش کردن تنوین و «ال» تعریف و بطور کلّی خصوصیات عربی کلمات معرب حذف می‌شود مگر این که حذف آن مخل معنی پارسی باشد.

کلمات مرکب عربی را که در فارسی به یک کلمهٔ بسیط معنی می‌شود، البته به صورت ترکیب ضبط می‌کنیم، مثل کلمات «ابن السبیل» و «ذی‌القربی» عربی در صورتی ه ترتیب راهگذر و خویشاوند معنی شده باشد، زیرا دو کلمهٔ اخیر در فارسی تقریباً بسیط تلقی می‌شوند اگر چه در اصل مرکب هستند. خلاصه تمام همّ ما مصروف به این است که به کلمهٔ فارسی خللی وارد نشده و بتوانیم با رعایت امانت و صحت این کار را دنبال کنیم.

پیداست این چنین کاری نه چندان سهل است که ابداً مشکلاتی سر راه نباشد بلکه ما همواره در کار خویش با مشکلات زیاد روبرو می‌شویم که با همفکری و مراجعه به قرآنهای چاپی و معاجم و فرهنگهای عربی و فارسی گشوده می‌شود و اگر هم نشد همّت و تشویق و راهنمایی استاد رجایی بدرقهٔ راه است.

بطور کلّی ممکن است یک کلمه از جهات ذیل فیش شود.

نخست: از جهت لغت که برابرهای فارسی یادداشت می‌شود.

دیگر: از جهت قواعد دستوری مثل مطابقهٔ صفت و موصوف و وضع پیشوند و پسوندها و نیز انواع یاهای مجهول و مسائل متعدد دیگر.

سدیگر: از نظر فن ترجمه و توجّه به این که مثلاً کلمهٔ واحد بسته به مقامش در جملات مختلف چگونه معنی می‌شود و یا وضع تأکید و روابط و عطف در ترجمهٔ پارسی چگونه است و نکاتی از این قبیل.

چهارم: از نظر لهجه‌شناسی و آثار و نشانه‌های گویشهای محلی که با مقابلهٔ تعداد

زیادی از ترجمه‌ها معلوم شود مثلاً فلان قرآن بدون تاریخ و کاتب مربوط به چه قسمتی از ایران و در چه زمانی نگارش یافته است و علاوه بر همهٔ اینها مراجعه به این قرآنها برای تهیهٔ اطلس لهجه‌شناسی ایران و حتی جهان نیز مفید خواهد بود.[۱]

باید افزود که برخی از این ترجمه‌های پارسی اعراب دارد که خود از نظر روشن شدن وضع تلفظ بسیاری از کلمات حائز اهمیّت فوق‌العاده است و حتی بسیاری از این تلفظها با آنچه امروز متداول و یا در فرهنگهای ما ضبط است متفاوت می‌باشد. با این حساب هر قرآنی بسته به مقدار لغات پارسی سره‌اش هزارها و بل دهها هزار فیش می‌شود که بلافاصله پس از اتمام و کنترل دقیق به ترتیب حروف الفبا مرتب و بایگانی می‌شود.

به این ترتیب پس از آن‌که تمام قرآنها با این دقت فیش شد، ما میلیونها فیش خواهیم داشت که کنترل و بررسی آن کار آسانی نیست، در پایان طبق دستور آقای دکتر رجایی در نظر است این فیشها یک بار دیگر بررسی شود و موارد لهجه‌ای و نیز آنها که مربوط به فن ترجمه است بیرون آورده شده، توسط متخصصینی که در نظر است به این کار گمارده شوند مطالعات لازم پیرامون آنها به عمل آید[۲] و چه بساکه بعد از پیاده شدن این نقشه‌ها زوایای تاریکی از دستور زبان ما، که متأسفانه کم هم نیست، روشن شود و قوانین و اصولی برای ترجمهٔ فصیح و استادانه به دست آید و زبان و ادب پارسی در مسیر تازه‌ای بیفتد. بقیهٔ فیشها هم که فقط برای موارد لغوی یادداشت شده قرار است به وسیلهٔ ماشینهای آی، بی‌ام مرتب شده و به صورت فرهنگنامهٔ عظیمی با توضیحات و تعلیقات بایسته بتدریج چاپ شود. با این حساب قطعاً این فرهنگ از نظر حجم و نیز احتواء بر لغات و ترکیبات فارسی سره تا روزگار خود بی‌نظیر خواهد بود.[۳]

و اهل تحقیق دانند که وجود چنین فرهنگی بخصوص از جهت ترکیبات فارسی سره‌اش چقدر بایسته است.

با وسعت روزافزونی که دامنهٔ کار پیدا می‌کند در صورت همکاری عدهٔ بیشتری احتمال می‌رود این کار متجاوز از ۵ سال در دست انجام باشد،[۴] چنان‌که هم اکنون بیش

---

۱ ـ بعدها به هنگام چاپ از سه مورد اخیر صرف‌نظر شد و فرهنگنامهٔ قرآنی، تنها در برگیرندهٔ بخشی از مورد نخست است. بقیهٔ فیشها هم اکنون در گروه فرهنگ و ادب بنیاد پژوهشها، موجود است.

۲ ـ این کار هرگز صورت نگرفت، امّا اجرای آن بکلّی منتفی نیست.

۳ ـ برای تتمیم فایده رجوع شود به **مقدمهٔ** آقای دکتر رجایی بر رسالهٔ **متنی *پارسی از قرن چهارم***، ص ۱ تا ۱۶.

۴ ـ بعدها به دلیل تعطیلیهای ناخواسته و کارشکنیهای نابایسته (پیش از انقلاب) و توسعهٔ دامنهٔ کار و تغییر روش ←

از یک سال از آغاز این کارمی‌گذرد و هنوز حتی یک صدم کار اساسی هم انجام نگرفته است با وجودی که حدود بیست قرآن از این مجموعه تاکنون فیش شده است. در حال حاضر این کار با همکاری خستگی‌ناپذیر ده نفر از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشکدهٔ ادبیّات و الهیّات مشهد ادامه دارد.

سخن از یک چنین کاری شاید بدون دادن شواهد و نمونه‌هایی، چندان مطلوب نیفتد خاصه که علاقه‌مندان فقط از دور نامی می‌شنوند و با وعده‌های دورودراز، سالها باید منتظر بمانند تا اثر این خدمت فرهنگی را ببینند و از آن بهره گیرند. باید گفت که در اثر کثرت قرآنهای قابل فیش و انواع لهجه‌های مربوط به نواحی گوناگون و زمانهای مختلف، این کار هم از جهت لغات متروک پارسی که در مآخذ دیگر کمتر دیده می‌شود و هم از حیث تعدد معانی برای لغت واحد و فایده‌های دیگر لهجه‌شناسی دامنه‌ای بس وسیع دارد که نشان دادن شواهد برای هر یک از این موارد خود مطلب را مفصل و بیش از اندازه پردامنه می‌کند لیکن توجّه به مثالهای زیر که از چند قرآن دم دست برداشته‌ایم در حکم قطره‌ای از دریا تواند بود.

ملجأ: خشواذه، طل: فرنجاب (در قرآنی دیگر همین کلمه فریجاب معنی شده) ضفادع: جغران (در چند قرآن)، اسوة: آویسه، لایکلف: نه بسکفت فرموده شود، در این قرآن تمام مشتقات دیگر این کلمه نیز چنین معنی شده، همین قرآن کلمهٔ اختلاف و سایر صیغ آن را «برافرود» معنی کرده است. علاوه بر چنین کلمات نامأنوس ترکیبات ساده و زیبایی در برابر لغات تازی به چشم می‌خورد که هر فارسی‌زبانی را از استعمال لغات دشوار عربی بی‌نیاز تواند داشت، از آن جمله است.

سراب: همانای، عنکبوت: گراتنه، بشیر: مژده‌ور، سفر: سررو، بقرات: فراخ‌شاخان، صابئین: نغوشاکان، محراب: ورواره، و هزارها ترکیب زیبای پارسی که از بیم تفصیل به همین قدر قناعت شد.

از نکته‌های دقیق و باری لهجه‌ای و فایده‌های زبانشناسی این کار سخنی نمی‌گویم چراکه آن را مردی صاحب‌نظر باید، و اما این قدر توان گفت که:

کلمات جشنگی به جای تشنگی، داذگان به جای دایگان، جاذگاه به جای جایگاه، وشخاینده به جای بخشاینده و صورتهای مختلف دشمنادگی و دشمناذگی و دشمنانگی

→ (در سالهای پس از انقلاب) پنج سال به بیست‌وهفت سال افزایش یافت.

و دشمنایگی را به کرّات دیده‌ایم نیز برای ترجمهٔ کلمهٔ قرض، در قرآنها مختلف صورتهای، وام، بام، فام، افام، فام (با سه نقطه) آمده است که هر کدام برای اهل تحقیق نکته‌ای است قابل بررسی. بعضی قرآنها در آخر ترجمهٔ فعل نهی و امر غایب یک «الف» اضافه می‌کنند. مانند این امثله لتکن: باشدا، لیملل: برگویدا، لیؤدّ: گذاردا، لایبخس: مکاهاندا، لایأب: نه سرباز زنندا و مثالهای متعدد دیگر، قرآنی دیگر که آثار یکی از لهجه‌های خراسانی در آن به فراوان دیده می‌شود در جلو ترجمهٔ همین فعل نهی همان صیغه از مصدر نگریستن می‌آورد.

لاتلقوا: نگرید خویشتن اندر نیو کنید، لاتعتدوا: نگرید ابتدا نکنید به کارزار کردن، علاوه بر استعمال انواع یاهای مجهول به فراوانی، وضع صیغه‌های خاصی برای افعال عربی و نیز به کار بردن افعال نیشابوری ـ به قول مرحوم بهار ـ مانند کردستند و ساختستند و افعالی دیگر چون کردمانی و کردتانی از نکته‌های ساده و عادی این قرآنهاست.

از نظر تنوع معانی چون هنوز تعداد زیادی از این قرآنها فیش نشده حرفی نمی‌توان زد ولی برای مثال کافی است از معانی متعدد چند کلمه که فعلاً در خاطر هست یاد شود و باقی نیز بر همین قیاس سنجیده آید. برای کلمهٔ «سلوی» به معنی پرنده‌ای از نوع تیهو تاکنون برابرهای، سمانه، ورتیج، ولج بریان، کرجفوا و همچنین برای کلمهٔ «عدس» ـ از حبوبات ـ معانی نسک، نرسک، نیژو و بنوسرخ یافته‌ایم.

برای این مورد واژه‌های استفهام فارسی که در برابر دو حرف استفهام عربی ـ هل و همزهٔ استفهام ـ به کار رفته نیز مثال خوبی است. بسیاری از این برابرها حتی در متون کهن و تفاسیر معتبر فارسی هم مسبوق به سابقه نیست.[1] در بیشتر موارد در این قرآنها حروف استفهام عربی معنی نمی‌شود و همان‌طور که ما امروز در محاوره استفهام را از آهنگ جمله درک می‌کنیم معلوم می‌شود در روزگار کتابت و ترجمهٔ آن قرآن هم چنین بوده، مواردی هم که کلماتی در برابر حروف استفهام آورده شده بدون رعایت قاعده‌ای ـ عجالتاً، چه ممکن است روزگاری قواعدی برای این استعمالها به دست آید ـ واژه‌های، ا، او، ای، آیا، یا، هیچ، چیز، هرگز، هرگیز، هست، چیز، چرا، چه و اکنون در برابر دو حرف

---

۱ ـ رجوع کنید : *مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات مشهد* سال پنجم ص۱۱۲، مقالهٔ «برخی نشانه‌های نادر استفهام در فارسی» از آقای دکتر جلال متینی.

استفهام عربی به کثرت استعمال دیده‌ایم.

در پایان باید افزود که این مجموعه قرآنها نمایشگاهی است از انواع خطوط اسلامی و چگونگی تحوّل آن در روزگاری دراز و نیز انواع کاغذ و رسم‌الخطهای متفاوت هر زمان و از همه مهمتر هنرنماییهای تذهیب و تجلید روزگاران گذشته را در این نمایشگاه از هر جای دیگر صادق‌تر و گویاتر بتوان دید و از آن بهره برد.

سخن دراز شد و مطلب همچنان باقی است. به هر حال اعتراف دارم که این چند کلمه به هیچ‌وجه نمی‌تواند مزایای این اقدام بزرگ را یک از صدها نشان بدهد خاصه که این کار هم خدمتی است به اسلام و جامعهٔ مسلمان و هم افقی دیگر در ادب و هنر پارسی می‌گشاید و در اهمیّت آن همین بس که گوشه‌ای از خوان معنویّت بی‌دریغ امام همام را به جهانی عرضه می‌دارد تا همگان از نعمتش برخوردار گردند.

* * *

به منظور تتمیم فایده و تکمیل این مقدّمه که دیگر می‌تواند حکم مؤخّرهٔ کتاب را هم داشته باشد و برای آن که گوشه‌هایی از بازتاب این کتاب را بتوانیم به خوانندهٔ صاحب‌دل نشان دهیم، بخشهایی از مقالات و معرفی‌های مربوط به این کتاب را که در مطبوعات کشور به چاپ رسیده است، به ترتیب نشر در این جا می‌آوریم تا هم به این بهانه سپاسی باشد برای نویسندگان دانشور این مقالات و هم خواننده را از دیدگاه صاحب‌نظران قرآن‌پژوه کشور دربارهٔ این فرهنگنامه بیشتر بهره‌مند کنیم:

پس از نشر نخستین مجلّد درهنگنامهٔ قرآنی نیز گروهی به معرّفی و اظهارنظر در مورد این کتاب پرداختند. در ذیل این دیباچه با چشم‌پوشی از تعارفها و تقریظ‌گونه‌ها ضمن پوزش و سپاس از نویسندگان آنها، تنها به نقل بخشهای غیرمکرّری از این نقد و نظرها می‌پردازیم.

آقای سیّد محمود خسروانی شریعتی در مجلهٔ **مشکوة** (شمارهٔ ۳۴، بهار ۱۳۷۱، ص ۲۰۳ به بعد، نوشت:

> نیاز به دانستن معانی ایمانی و مفاهیم قرآنی به زبان پارسی دانشهای گوناگون را سبب شد که دانش فرهنگ‌نویسی عربی به فارسی از آن جمله است. اهتمام به ترجمهٔ قرآن به منظور دستیابی به دقایق و ظرایف واژه‌های قرآنی شاخهٔ فرهنگ‌نویسی لغات قرآن کریم را نیز به وجود آورد که از قرن چهارم هجری آغاز شده و تاکنون ادامه یافته است.

در تابستان ۱۳۴۸ خورشیدی که شادروان دکتر احمدعلی رجایی بخارایی در سمت مدیر کل فرهنگی آستان قدس رضوی خدمت می‌کرد با ملاحظهٔ انبوه قرآنهای نفیس آستان قدس رضوی به فکر تدوین فرهنگنامه‌ای عربی به فارسی براساس قرآنهای مترجم آستان قدس رضوی افتاد، از میان هزاران قرآن و سی‌پاره حدود پانصد قرآن کامل و ناقص با ترجمه‌ای فارسی انتخاب گردید، بررسی و ارزیابی این قرآنها از نظرگاه ترجمه اندک‌اندک قرآنهای ممتاز و سزاوار توجّهی را مشخص کرد. ابتدا قرآن شمارهٔ ۴ بود که معرفی آن تحت عنوان متنی پارسی از قرن چهارم به کوشش زنده‌یاد دکتر احمدعلی رجایی بخارایی منتشر شد و از میان اوراق بی‌سروسامان کتابخانه ترجمه‌ای نیز به همّت دکتر محمّدجعفر یاحقّی هویت تازهٔ خود را بازیافت و چند سال بعد با عنوان ***گزاره‌ای از بخشی از قرآن کریم*** (تفسیر شُنقَشی) در بنیاد فرهنگ ایران به چاپ رسید.

فیش‌برداری از قرآنهای کهن که ترجمه‌های استوار داشت با دستورالعملی واحد آغاز شد. روش کار مبتنی بود بر رعایت امانت در ضبط املای نویسنده، یادداشت زیروزبر و دیگر نشانه‌ها که پاره‌ای از مترجمان، خود بر کلمات فارسی نهاده بودند، این کار بدون کوچکترین دخل و تصرفی صورت گرفت، تنها حروف /پ/، /چ/، /ژ/که بیشتر قرآنهای قدیم با یک نقطه، و حرف /گ/که با یک سرکج آورده بودند، به شیوهٔ معمول با سه نقطه و دو سرکج نوشته شد.

کار فیش‌برداری از هشتادوپنج قرآن ممتاز خطی ادامه داشت که ناگهان شادروان دکتر رجایی به علّت اختلاف‌نظر در مسایل فرهنگی با نایب‌التولیهٔ وقت از سمَت خود استعفا داد. مدتی اعضای فرهنگنامه در غرفه‌های غربی طبقهٔ دوم صحن جدید با مشکلات زیاد به کار خود ادامه دادند، تا سرانجام در اواخر سال ۱۳۵۳ سازمان فرهنگنامهٔ قرآنی بکلّی تعطیل شد.

سالها گذشت، خورشید انقلاب درخشید و قرآن به صحنه آمد. در نخستین ماههای تأسیس بنیاد پژوهشهای اسلامی معاونت محترم فرهنگی آستان قدس از دکتر یاحقّی خواستند تا برای تشکیل گروه فرهنگ و ادب بنیاد طرحهای پژوهشی پیشنهاد دهند، یکی از طرحهایی که وی طّی گزارشی مفصّل ارائه نمود طرح «ادامه و تکمیل فرهنگنامهٔ قرآنی» بود که مورد تأیید و تصویب قرار گرفت. آن گاه از یاران دیرین که در دورهٔ اوّل فرهنگنامه با وی همکاری داشتند و به نحوهٔ کار واقف بودند دعوت به همکاری شد. فیشها و یادداشتها که در نقل و انتقال چند ساله کاملاً درهم ریخته و پریشان شده بود

مجدداً با حوصلهٔ تمام تفکیک و دسته‌بندی شد و فیشهای متعلق به هر قرآن الفبایی گردید و در جایگاه ویژهٔ خود قرار گرفت. به موازات این کار برابرهای فارسی چندین قرآن کهن از میان قرآنهای سابق و تعدادی هم قرآن و اوراق مکشوفهٔ جدید که ترجمه‌های سزاوار توجّه داشتند با حوصلهٔ تمام و به روش قبلی فیش‌برداری شد.

برای تدوین فرهنگنامهٔ حاضر که براساس یکصدوچهل‌ودو قرآن مترجَم متعلق به فاصلهٔ قرنهای چهارم تا سیزدهم فراهم آمده چندین طرح به هیأت مدیرهٔ محترم بنیاد پژوهشهای اسلامی پیشنهاد شد که سرانجام با در نظر گرفتن امکانات فنی و علمی مقرر شد براساس ترتیب کتاب ***المعجم الاحصائی لالفاظ القرآن الکریم*** کار تنظیم فرهنگنامه دنبال شود. بنابراین در نخستین گام فیشهای نخستین که در فاصلهٔ سالهای ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۳ به روش دیگری فراهم شده بود با دقت بر مدخلهای ***المعجم الاحصائی*** منطبق گردید.

کار تنظیم‌وتدوین فرهنگنامه‌ازابتداتاکنون مراحل‌مختلفی‌رابه‌شرح‌زیرطی‌کرده است:

مرحلهٔ اوّل تهیهٔ مواد شامل چند مورد زیر:

۱ ـ فیش‌برداری از یکصدوچهل‌ودو قرآن برابر دستورالعملی واحد.

۲ ـ بازبینی و کنترل فیشها.

۳ ـ جدا کردن فیشهای لهجه‌ای و دستوری از فیشهای اصلی.

۴ ـ تنظیم الفبایی کلمات به ترتیب تمام حروف و بایگانی فیشهای مربوط به هر قرآن در داخل فایل.

مرحلهٔ دوم ثبت:

۱ ـ استخراج فیشهایی که قبلاً با اجزایی از قبیل حروف عامل، استقبال، نفی، نهی، یادداشت شده و انتقال آنها به اصل کلمه صرف‌نظر از اجزای پیشین.

۲ ـ تهیهٔ جدول انطباق قرآنها با تاریخ کتابت آنها.

۳ ـ تبدیل شمارهٔ فرهنگنامه به شماره‌های جدید که مبیّن قرن و اولویت تاریخی است.

۴ ـ کنترل الفبایی کلمات براساس تمام حروف و استخراج کلمات تکراری از قرآن واحد.

۵ ـ درهم کردن فیشهای همهٔ قرآنها و تنظیم آن به ترتیب قرن.

۶ ـ حذف فیشهای تکراری از تمام قرآنها و بایگانی آن با تمام حروف.

۷ ـ انطباق ضبط کلمه‌های فیش شده با کتاب ***المعجم الاحصائی***.

۸ ـ تنظیم فیشها براساس سوره، آیه، قرن.

۹ ـ ثبت کلمات به ترتیب الفبایی سوره، آیه، قرن و انتخاب شواهد قرآنی برابر با رسم‌الخط *المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم*.
۱۰ ـ بایگانی کردن فیشها با همان ترتیب ثبت شده.
۱۱ ـ بازبینی نهایی، شامل مقایسهٔ کلمه‌ها و آیات با قرآن مجید و افزودن حواشی روشنگر و توضیحی بر برخی از کلمات.
۱۲ ـ رفع اشکالهای احتمالی ترجمه‌ها با رجوع به اصل قرآنهای خطّی کتابخانه در موارد مشکوک.
۱۳ ـ تهیّهٔ فتوکپی جهت بایگانی گروه.
۱۴ ـ ویرایش نهایی.
۱۵ ـ تحویل پاکنویس به واحد نشر بنیاد.

هدف عمده از تنظیم این فرهنگنامه به دست دادن معادلهای فارسی کلمات قرآنی است. براساس کهنترین قرآنهای خطّی کتابخانهٔ آستان قدس رضوی که ان‌شاءالله در آیندهٔ نزدیک در چهار جلد به صورت الفبایی در اختیار مشتاقان علوم قرآنی و دوستداران ادب فارسی قرار خواهد گرفت.

خواننده در این کتاب نابترین واژه‌ها و ترکیبات فارسی را برای لغات عربی قرآن پیش‌رو خواهد داشت، واژه‌هایی که برخی از آنها تاکنون در هیچ کتاب لغت یا متن فارسی نیامده است. در مقدّمهٔ مفصّل این کتاب سابقه و شیوهٔ کار، معرّفی پاره‌ای فرهنگهای فارسی قرآن و معرّفی یکصدوچهل‌ودو قرآن مورد استفاده و طرز استفاده از کتاب نیز آمده است. پس از چاپ کلیهٔ حروف فهرستی از کلمات و ترکیبات پارسی کتاب با معادل قرآنی آن به دست خواهیم داد که حجم آن افزون از مجلّدی بزرگ پیش‌بینی می‌شود.

* * *

یکی از همقلمان مجلّهٔ *آینهٔ پژوهش*، آقای عبدالمحمّد نبوی نیز در همین مورد نوشت «آینهٔ پژوهش، شمارهٔ ۲۲، سال چهارم، آذر ـ دی ۱۳۷۲، ص ۷۹-۸۰»:

کتاب حاضر با عنوان فرعی «فرهنگ برابرهای فارسی بر اساس ۱۴۲ نسخهٔ خطی کهن محفوظ در کتابخانهٔ مرکزی آستان قدس رضوی، دستمایهٔ سودمندی برای همهٔ قرآن‌پژوهان و بالاخصّ مترجمین قرآن است. پایه‌گذار تدوین فرهنگنامه مرحوم دکتر

احمدعلی رجایی بوده است که در سال ۱۳۴۸ طرح آن را ریخت و چندی به همراه تنی چند از دانشجویان به کار آن پرداخت و سوگمندانه ادامه نیافت. سپس به اهتمام گروه فرهنگ و ادب بنیاد پژوهشهای اسلامی و با نظارت آقای دکتر محمّدجعفر یاحقّی این کار عظیم پی گرفته شد و اینک جلد نخست آن منتشر گردید.

اهمیّت و فایدهٔ این اثر بر کسی پوشیده نیست. خواننده با مراجعه به این فرهنگنامهٔ گرانقدر به برابرهای فارسی متعددی در مقابل هر کلمهٔ قرآن دست می‌یابد و تنوع برابرهای فارسی بر دایرهٔ واژگانی او می‌افزاید. افزون بر این، مترجمان قرآن با مراجعه به این فرهنگنامه در گزینش برابرهای فارسی امکان بیشتری خواهند یافت و با دستمایهٔ ارزشمندی به ترجمه و گزینش برابرها می‌پردازند.

ترجمه‌های مکرر یک کلمه در فرهنگنامهٔ حاضر نیامده است؛ با وصف این برای نشان دادن خصائص گویشی و املایی، ترجمه‌های واحدی که با چند اِعراب و املا می‌باشد، در حکم غیر مکرر قلمداد و آورده شده است.

***

منتقد و در واقع معرّف دیگرِ فرهنگنامه، قرآن‌پژوه برجسته و پرکار روزگار ما استاد بهاءالدّین خرمشاهی بود که با نظر لطف و بیشتر از آن که سزاوار کار ما باشد، در کتاب ***قرآن‌پژوهی*** (مرکز نشر فرهنگی مشرق، زمستان ۷۲) دربارهٔ این کتاب مقاله‌ای نوشت که بعدها در نشریهٔ ***بیّنات*** (سال اول، شمارهٔ ۱، بهار ۷۳، ص ۹۸-۱۰۲) نیز تجدید چاپ شد. نظر خواننده را به بخشهایی از این مقاله جلب می‌کنم:

اخیراً «فرهنگ برابرهای فارسی قرآن براساس ۱۴۲ نسخهٔ خطی کهن محفوظ در کتابخانهٔ مرکزی آستان قدس رضوی» به همّت یکی از کاردان‌ترین و کوشاترین قرآن‌پژوهان ایران، آقای دکتر محمّدجعفر یاحقّی، استاد دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد و سرپرست گروه فرهنگ و ادب در بنیاد پژوهشهای اسلامی از سوی همین بنیاد با نام ***فرهنگنامهٔ قرآنی*** منتشر شد. بواقع مشهد مقدس از کانونهای مهم قرآن‌پژوهی جهان اسلام است و کتابخانهٔ هزارسالهٔ آستان قدس رضوی در حدود ده هزار نسخهٔ خطی کهن قرآن کریم را که ۳۰۰-۴۰۰ نسخهٔ آن دارای ترجمهٔ فارسی است، در گنجینهٔ خود دارد.

در جوار مرقد مطّهر حضرت ثامن‌الائمه، و گنج هزارسالهٔ کتابخانهٔ کم‌نظیر آن، قرآن‌پژوهان بزرگ و بزرگواری، به تحقیقات قرآنی اشتغال داشته یا دارند. نظیر شادروان

احمدعلی رجایی (که فکر تدوین این فرهنگنامه از ایشان است و دکتر یاحقّی در سالهای پیش از انقلاب در پرداختن به فهرست‌نگاری و خارج‌نویس کردن واژه‌های فارسی ناب از ترجمه‌های کهن بین سطور قرآن مجید، دستیار ارشد ایشان بوده است.

دکتر محمّدجعفر یاحقّی آثار قرآن‌پژوهی متعددی از حدود ۲۵ سال پیش تاکنون، تحقیق و تصحیح کرده و به طبع رسانده است. از جمله گزاره‌ای از بخشی از قرآن مجید: *تفسیر شُنقَشی* (تهران، بنیاد فرهنگ، ۱۳۵۵). دیگر تصحیح و نشر ترجمهٔ قرآن مورخ ۵۵۶ ق. (تهران، مؤسسهٔ فرهنگی شهید رواقی، ۱۳۶۳). دیگر سرپرستی و اهتمام والا در تصحیح و طبع و نشر تفسیر ابوالفتوح رازی [= روض الجنان و روح‌الجنان فی تفسیر القرآن] با همکاری دکتر محمّدمهدی ناصح. از این تفسیر گرانقدر و این تصحیح علمی طراز اول تاکنون مجلدات ۱-۵ و ۹ تا ۱۷ منتشر شده است و طبع و نشر باقی مجلدات بیستگانهٔ آن ادامه دارد. جدیدترین و به اعتبار سالها و سنوات تحقیق قدیمترین - کوشش قرآن‌پژوهی ایشان با همکاری جمعی از محققان زبده در گروه فرهنگ و ادب بنیاد پژوهشهای اسلامی وابسته به آستان قدس رضوی، همین فرهنگنامهٔ قرآنی است.

باید توجّه داشت که فرهنگنامهٔ قرآنی از همهٔ واژه‌نامه‌های قرآنی جامع‌تر و حجم آن در حدود ۵ تا ۷ برابر آنهاست. و مهمتر آن که این اثر یک واژه‌نامهٔ عادی و ساده فی‌المثل مانند *لسان التنزیل* یا *الدرر فی الترجمان* نیست بلکه ترجمه‌نامهٔ قرآن است. یعنی برابرنهاده‌های فارسی در برابر کلمات و تعبیرات قرآنی، که در واقع ترجمه‌های تحت‌اللفظ و بین‌السطور قرآن کریم بوده، گردآوری و مرتب و مدون و الفبایی شده و نهایتاً به صورت یک فرهنگ الفبایی عرضه شده است.

این ترجمه‌نامهٔ فرهنگ‌وار که بر مبنای ۱۴۲ قرآن خطی ترجمه‌دار فراهم آمده، یک گنج شایگان است که در اهمیّت آن هر چه گفته شود، رسا نیست. این فرهنگ می‌تواند تحول عظیمی در ترجمهٔ قرآن کریم به فارسی ایجاد کند ـ و ان‌شاءالله خواهد کرد ـ، زیرا هر مترجمی در هر گوشهٔ جهان اسلام، و البته فارسی‌زبان، با در دست داشتن این اثر، گویی ۱۴۲ ترجمهٔ عتیق قرآنی را در دست دارد. تازه اگر کسی ۱۴۲ ترجمهٔ کهن قرآن را به صورت اصلی یا عکسی در دست داشته باشد، به آسانی نمی‌تواند از آنها استفاده کند و مثلاً برای این که دریابد لغت *استضعاف* یا *استضعفونی* را چه ترجمه کرده‌اند، باید یکایک ۱۴۲ اثر خطی را یا نسخه‌های عکسی را زیرورو کند. اما این فرهنگ خوش تدوین و آسان‌یاب در ذیل «استضعاف» تمام برابرنهاده‌های موجود و غیر مکرر این ۱۴۲ منبع را

به دست می‌دهد.

در حق این کتاب باید ـ با استشهاد به قرآن کریم ـ گفت:

«لمثل هذا فلیعمل العاملون» (صافات / ۶۱)

بنده به عنوان یکی از مترجمان قرآن کریم و منتقدی که بر ۷-۸ ترجمهٔ فارسی عصر جدید قرآن مجید نقد نوشته‌ام و سالیان سال به دلایل عدیده با مسألهٔ برابرنهاده‌های فارسی در برابر کلمات و عبارات و تعبیرات قرآنی سروکار داشته‌ام، از این که این گنج عظیم شایگان، تقریباً به رایگان، در اختیار همگان، به ویژه قرآن‌پژوهان و فرهنگ‌نویسان و دوستداران معارف قرآنی و زبان فارسی قرار گرفته است، بسیار شاد و شگفت‌زده‌ام؛ و به دوست قرآن‌پژوه کاردان خود آقای دکتر محمّدجعفر یاحقّی و همکاران فاضل فروتنشان، و مسؤولان خدوم و خوش‌فکر بنیاد پژوهشهای اسلامی وابسته به آستان قدس رضوی، صمیمانه شادباش و دیرزی و دست‌مریزاد می‌گویم، و افزایش توفیق همگان را در عرضهٔ این‌گونه خدمات فرهنگی از درگاه حضرت حق، جلاّ و علا، مسألت دارم.

* * *

همکار دقیق‌النظر فرهنگنامه، آقای اصغر ارشادسرابی، نیز از پای ننشست و مقاله‌ای مفصّل با عنوان «گشت‌وگذار در گلگشت دیرینه سال فرهنگنامهٔ قرآنی» در مجلهٔ ***آینهٔ پژوهش*** (شمارهٔ ۲۶، سال ۱۳۷۳، ص ۲۰-۳۵) نوشت، که نقل بخشهایی از آن را برای تکمیل این دیباچه مفید می‌دانم:

ترجمه و تفسیر قرآن کریم به زبان فارسی از اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری آغاز شده است؛ زیرا گسترش اسلام و بی‌شماری مسلمانان فارسی‌زبان، برگردانیدن قرآن را به فارسی ایجاب می‌کرد. همان‌گونه که در ابتدای ترجمهٔ تفسیر طبری می‌بینیم، گویا ترجمهٔ رسمی قرآن تا زمان سامانیان مجاز نبوده است؛ زیرا فقها و دانشمندان اسلامی، هم از ترجمهٔ حرفی قرآن ـ نقل کلام با مراعات در نظم و ترتیب و محافظت بر تمامی معانیِ کلام مترجَم ـ بیمناک بودند و هم ترجمهٔ تفسیر کلام‌الله را به زبانی دیگر ـ بدون مراعات نظم و ترتیب در اصل کلام ـ تاب نمی‌آوردند.

آنان از دیرباز، در این معنی می‌اندیشیده‌اند که چگونه می‌توان کلام خداوند را که اعجاز فصاحت و بلاغت است، به دیگر زبانها ترجمه کرد، به طوری که در انتقال معنی و

ظرافتهای کلام خداوند و تبدیل لفظی به لفظ دیگر، خللی روی ندهد. به همین سبب بوده است که: «عده‌ای از صاحب‌نظران، ترجمهٔ متون دینی را تشبیه کرده‌اند به انتقال گلی از رستنگاهش که ممکن است خشک گردد و بوی خوش خود را از دست بدهد.[۱]

جواز انتقال گلزار قرآن به دیگر زبانها و از جمله فارسی، کار خُردی نبود؛ اما سرانجام ایرانیان نیز از بهره‌وری و فیوضات قرآن بی‌نصیب نماندند. منصوربن نوح امیر سامانی (۳۸۷-۳۵۳ ق) که علاقه‌مند به فهم کلام‌الله مجید بود، علمای ماوراءالنهر راگردکرد و از آنان بر جواز ترجمه و تفسیر قرآن فتوا خواست که: «روا باشد که ما این کتاب را به زبان پارسی گردانیم؟ گفتند: روا باشد خواندن و نوشتن قرآن به پارسی مر آن کس را که او تازی نداند... همه خط بدادند بر ترجمهٔ این کتاب که این راه راست است. ...»[۲]

این واقعهٔ مهم فرهنگی، خود سرآغاز تحوّلی بزرگ بود و چشم‌اندازی بس گسترده را در ادب پارسی پدید آورد، چنان که پس از آن استفتا و رفع مانع، ترجمه‌ها و تفسیرها به موازات دیگر آثار ادبی نظم و نثر در باب قرآن نگاشته آمد که علاوه بر دربرداشتن معانی ژرف کلام خداوند، از شیوایی سخن پارسی نیز بهرهٔ وافر و کامل داشت.[۳]

توغّل در ترجمه‌های میان سطری قرآنهای کهن نشان می‌دهد که آن مترجمان فرهیخته ـ برخلاف بیشتر مترجمان کم‌ذوق و شتابکار روزگار ما ـ هوشمندانه دریافته بودند که چگونه باید مقصود و معنی را به روشی ساده بیان کنند.[۴] همچنین سختگیری فقیهان و پای‌بندی ایرانیان به حفظ و حراست از نصوص قرآنی سبب گردید تا در ترجمه و تفسیر قرآن کریم، حتی‌الامکان، خطا و سهل‌انگاری روی ندهد. بدین جهت در ترجمه‌های قرون چهارم تا ششم، در لفظ و معنی کمتر خطا و سهو دیده می‌شود و

---

۱ ـ رک: دکتر ابراهیم انیس، *دلالة الالفاظ*، چاپ اول، مکتبة الانجلو المصریه، ۱۹۵۸، ص۱۷۲، به نقل از: سیّد حسن سیّدی، «تمهیدی بر ترجمهٔ قرآن»، *کیهان اندیشه*، شمارهٔ ۴۰ بهمن و اسفند ۱۳۷۰، صص ۳۹-۳۳.

۲ ـ ترجمهٔ *تفسیر طبری*، به تصحیح و اهتمام حبیب یغمایی، دورهٔ هفت جلدی، انتشارات توس، چاپ (افست) زر، اردیبهشت ۱۳۵۶، ج۱، ص۶-۵.

۳ ـ رک: *هزار سال تفسیر فارسی*، دکتر سیّدحسن سادات ناصری و منوچهر دانش‌پژوه، نشر البرز، تهران ۱۳۶۹، ص ۸-۶ مقدّمه.

۴ ـ رک: *نهایةالمسؤول فی روایة الرسول*، تصنیف سعیدالدین محمّدبن مسعود کازرونی، ترجمه و انشای عبدالسلام بن علی بن الحسین الابرقوهی، تصحیح و تعلیق دکتر محمّدجعفر یاحقّی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۶، ص۱۳ گ.

قراین نشان می‌دهد کسانی که مبادرت به ترجمه و تفسیر قرآن می‌کردند، به رموز و دقایق دو زبان واقف بوده‌اند. و «به واسطهٔ ایمان راستین و مسلمانی درستی که داشتند، نیروی زبان‌دانی و ذوق ادبی خود را به کار انداختند و می‌کوشیدند تا ترجمانی راست‌گفتار و درست‌کردار برای این نامهٔ مقدّس باشند».[1]

اهتمام به ترجمهٔ واژه‌های قرآن و فراهم آوردن فرهنگهای ویژهٔ قرآنی ـ همچنان که اشارت رفت ـ بیشتر در نواحی دور از مراکز خلافت و حوزهٔ تأثیر زبان عربی، بویژه در مشرق ایران یعنی ماوراءالنهر و بعدها در شبه قارهٔ هند بیش از سایر بلاد رونق داشته است. با تجدیدقدرت امیران‌ایرانی‌وسعی‌در تفکیک دین‌وملیّت، زبان‌فارسی نیرو گرفت.

هر چند در عصر طاهریان، صفاریان، سامانیان، و زیاریان، زبان دیوانی، دینی، فلسفی و علمی غالباً عربی بود و اهل فضل و دانشمندان ایران آن را به کار می‌بردند، ولی بی شکّ زبانِ عمومی مردم، همچنان باقی و رایج بود. پس از آن‌که ایرانیان با خط عربی آشنا شدند، سعی کردند زبان خود را که بتدریج، کلمات عربی داخل آن می‌شد، به همان خط بنویسند. از آن پس ایرانیان در علوم عقلی و نقلی، که همه مولود قرآن مجید و شریعت اسلام بود، آثاری به زبان فارسی پدید آوردند که به عنوان رکنی عمده و اساسی استوار تلقّی گردید. بنابراین برخلاف نظر آنانی که گسترش اسلام و نفوذ زبان عربی را سبب رکود و کسادی بازار زبان دَری دانسته‌اند، این زبان علاوه بر وسعت بخشی به حوزهٔ تحت سیطرهٔ خود، رنگهای محلی و گوناگون نیز گرفت. خدمتی که از این رهگذر دانشمندان و «مردم ما به ایران و اسلام کرده‌اند، آن قدر پرارج و گرانبهاست که انسان را بی‌درنگ به تحسین و تکریم وامی‌دارد و عزّت و حرمت آنان را در دل پایدار و جایگزین می‌سازد».[2]

اهمیّت قرآنهای مترجَم کهنسال

یکی از عواملی که در احیا و رونق زبان فارسی مؤثّر افتاد، تفاسیر و ترجمه‌های قرآنی و همچنین تدوین فرهنگهای عربی ـ فارسی در روزگاران گذشتهٔ ایران است.

---

۱ ـ دکتر محمّدمهدی رکنی، «نکاتی چند از دقت مترجمان قرآن مجید»، *مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیّات و علوم انسانی* دانشگاه فردوسی، شمارهٔ دوم، سال چهاردهم، تابستان ۱۳۵۷، ص ۳۳۰.

۲ ـ دکتر عزیزالله جوینی، *تفسیر نسفی*، بنیاد قرآن، دورهٔ ۲ جلدی، زمستان ۱۳۶۲ هجری شمسی، ج اول، ص۱۳ مقدّمه.

وقوف بر محتوای قرآن به منظور رفع نیازهای مادی و معنوی و تحصیل فواید فرهنگی از سویی و توجّه به احیای زبان ملّی به منظور تأیید استقلال سیاسی از سویی دیگر، ضرورت یادگیری زبان عربی و برگردانیدن قرآن را به پارسی ایجاب می‌کرد. از این روی گزیری نبود و می‌بایست قرآن به زبان فارسی دَری ترجمه می‌شد.

تفاسیر و ترجمه‌های کهن میراثهای گرانبهایی هستند که خوشبختانه، امروز، اهمیّت آنها بر پژوهندگان علوم قرآنی و دوستداران زبان فارسی پوشیده نیست. ترجمه‌های پیراستهٔ بازماندهٔ فرزانگان گمنام و ناشناخته نشان می‌دهد که چگونه آنان توانسته‌اند به مدد زبان استوار و دلپذیر خود، معانی ژرف و باریک کلام خداوند را به سلک زبان شیرین فارسی درآورند و کلام اعجاز را با اعجاز کلام درآمیزند.

شناخت این برگردانیده‌ها و ارزیابی همه جانبهٔ مسایل و ویژگیهای گونه‌گونهٔ آن از دیدگاههای مختلف، همچون متن‌شناسی، نسخه‌شناسی، خط و نگارش، تجلید و تذهیب، کتاب‌آرایی، سیر ترجمهٔ قرآن، واژه‌شناسی، لهجه‌شناسی، دستور تاریخی و دیگر مختصّات سزاوار بررسیهای فراوان و گسترده است. «گستردگی و پهنای کار در این زمینه آن اندازه و بدان پایه است که هیچ قوم و ملّتی نمی‌تواند یارای برابری با ملّت ما را داشته باشد».[۱]

بنابر آنچه گذشت، گشت‌وگذار در میان گلزار قرآنهای خطی و مترجَم از هر حیث دلپذیر و روح‌پرور است و از جهات گوناگون نفیس و گرانبهایند. «نمونه‌های این ذخایر فرهنگی و هنری اسلام را در کتابخانه‌ها و موزه‌های مختلف جهان می‌توان دید که خوشبختانه کتابخانهٔ کهنسال آستان قدس رضوی تعداد بیشتری از این زیبارویان عالم معنی را دربردارد. این قرآنها در واقع جلوه‌گاه اعتقاد راسخ مسلمین سرزمینهای گوناگون است که همهٔ ذوق وهنر و دانش خود را در تحریر و تذهیب کتاب مقدّسشان به کار برده‌اند تا کلام‌الله، حُسن صوری را با بلاغت و عمق معنی توأمان دربرداشته باشد».[۲]

---

۱ ـ دکتر علی رواقی، «کهن‌ترین برگردان قرآن به فارسی»، *کیهان فرهنگی*، شمارهٔ ۱، فروردین ۱۳۶۳، ص۱۵.

۲ ـ دکتر محمّد رکنی، «تاریخچهٔ تدوین و تحریر قرآن»، *فارسی و آیین نگارش*، سال سوم دبیرستان (به استثنای رشتهٔ فرهنگ و ادب)، ۱۳۷۰، ص ۱۰۲؛ ایضاً *نامهٔ هدایت، مقدّمه‌ای بر آشنایی قرآن*، ادارهٔ امور فرهنگی آستان قدس، ۱۳۶۳، ص۲۶۳.

چگونگی تأسیس سازمان فرهنگنامهٔ قرآنی و شرح مراحل مختلف تدوین فرهنگنامه

از آن پس که روانشاد دکتر احمدعلی رجایی بخارایی در سال ۱۳۴۷ به جهت برخی ملاحظات ـ احتمالاً اداری و سیاسی ـ مجبور به استعفا و بازنشستگی گردید؛ به علت علاقه‌مندی به کارهای فرهنگی در تابستان ۱۳۴۸ در آستان قدس رضوی، به خدمت مشغول شد. در همان سال ضمن جمع‌آوری قرآنهای خطّی و نظم و نسق دادن به دستنویسهای کتابخانهٔ آستان قدس رضوی، برای نخستین‌بار به اهمیّت خطیر قرآنهای مترجَم پی برد واندیشهٔ تدوین فرهنگی عربی ـ فارسی براساس برابرهای فارسی قرآنهای ترجمه‌دار آن کتابخانه بر ذهن ایشان گذشت. با این نیّت سازمان فرهنگنامهٔ قرآنی را در ضلع غربی صحن آزادی ـ در طبقهٔ دوم، بالای آرامگاه شیخ بهائی رضوان‌الله تعالی علیه ـ تأسیس کرد. آن استاد فرهیخته در کنار دیگر خدمات فرهنگی، با این کار خود عملاً شالودهٔ چنین فرهنگی را پی افکند.

در آن سالها، دکتر رجایی به یاری عده‌ای از دانشجویان و دبیران فاضل و علاقه‌مند به تفحّص و سیر در بوستان قرآنهای کهن ترجمه‌دار پرداخت. به دستور ایشان، نخست تمام قرآنهای خطی که به طور پراکنده و غریب‌وار در زاویهٔ رواقها و زیرزمینهای نمدار یله و تلنبار شده بود، جمع‌آوری و گردافشانی گردید و سپس با تصفّح و بررسی، براساس قدمت، ترجمه و دیگر ویژگیها تفکیک و طبقه‌بندی شدند و سپس برای هر قرآن شناسنامه‌ای تنظیم گردید که تمام اطلاعات، فهرستوار در آن ثبت شده بود. طی تلاشهای بی‌وقفه، به شبان و روزان بی‌شمار، از میان چندین‌هزار قرآن، بیش از پانصد قرآن مترجَم ـ اعم از کامل و ناقص ـ برگزیده شد و پس از انتقال به محلّ سازمان فرهنگنامهٔ قرآنی در قفسه‌های فلزی از آنها نگهداری می‌گردید.

در تابستان ۱۳۵۰ نگارندهٔ این سطور، افتخار همکاری با آن گروه مشتاق پژوهشگر را یافت. دکتر رجایی هر کس را که جویا و شیفتهٔ کار می‌یافت، دستگیری می‌کرد و از دکتر یاحقّی ـ مدیر داخلی گروه ـ می‌خواست تا آرام آرام اصول و رموز کار را به او آموزش دهد و ایشان پس از چندی چنانچه ورزیدگی و پختگی لازم را در کار آن تازه وارد مشاهده می‌کرد و صلاح می‌دید، قرآنی را برای فیش کردن به او می‌سپرد. همچنان که در مقدمهٔ فرهنگنامه (ص۲۴) آمده، طبق دستورالعملی که روانشاد دکتر رجایی معین کرده

بود،[1] از قرآنهای کهنتری که ترجمهٔ پارسی استواری داشت، فیش‌برداری می‌شد.

به طور کلّی هدف از تهیه و تنظیم این فرهنگنامه، گردآوری و ارائهٔ معانی پارسی، یعنی به درکشیدن واژه‌ها و ترکیباتی بود که در میان سطرهای قرآنهای خطّی و کهن آستان قدس رضوی باقی‌مانده و تا امروز از دسترس پژوهندگان علوم قرآنی و مشتاقان زبان فارسی به دور بوده است. ملاک انتخاب، سره بودن واژه و برکناریش از اجزای عربی بود. با استخراج این واژه‌ها می‌خواستند توانایی زبان فارسی را در برگردانیدن مفاهیم قرآنی در تاریخ زبان و ادب پیشینهٔ ایران نشان دهند.

این کار به سرکردگی دکتر رجایی و با مباشرت دکتر یاحقّی، توسّط عده‌ای از پژوهشگران ـ که نام همگی آنان در صفحهٔ ۳۱ تا ۳۳ مقدّمهٔ ***فرهنگنامهٔ قرآنی*** آمده است ـ با شیفتگی و دلباختگی تمام ادامه یافت. هنوز چندسالی از آغاز کار نگذشته و بیش از هشتاد و چند قرآن فیش نشده بود که آن استاد (سال ۱۳۵۲) با نایب‌التولیهٔ وقت آستان‌قدس رضوی بر سر مسایل فرهنگی اختلاف‌نظر پیدا کرد و مجبور شد از این شغل هم استعفا دهد. استاد دل گردانید و یکبارگی دست از همهٔ کارهای ناتمام فروشست و غمزده و دل‌شکسته، از سر ضرورت ترک یار و دیار کرد و به تهران پناه برد.

تا او از میانهٔ کار به یکسو رفت، آن نظام که بود از هم گسست و کارها دیگر شد. دشواریهای بی‌حساب و کارشکنی و کینه‌ورزی برخی عناصر بی‌تمییز پیدا آمد. سرانجام بی‌حرمتی و برخوردهای ناپسند، سبب شد تا هر یک از پژوهشگران به تناوب سر خویش گیرند و راه مجانبت در پیش. دیری نپایید که در پایان سال ۱۳۵۳ فرهنگنامه تعطیل شد.

سالها گذشت تا سرانجام خورشید انقلاب دمیدن گرفت و قرآن به صحنه آمد. بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی تأسیس شد و گروه فرهنگ و ادب در سال ۱۳۶۳ با مدیریت دکتر یاحقّی دایر گردید و طرح ادامه و تکمیل ***فرهنگنامهٔ قرآنی*** بی‌درنگ مورد تأیید و تصویب اعضای محترم هیأت مدیرهٔ بنیاد قرار گرفت. صبر و ظفر، دوستان بازماندهٔ قدیم را به گرد شمع اصحاب جمع کرد. حق‌شناسی همکاران به استاد در خاک خفته از سویی و عشق در به سامان رساندن کار و یاری رساندن به دکتر یاحقّی از سویی دیگر، موجب گردید که بیش از حد، توان و نیروی خود را صرف این

---

۱ ـ ***فرهنگنامهٔ قرآنی***، مقدمه، ص ۳۰.

کار کنند.

پس از به در کشیدن آن فیشها و یادداشتها از انبار کتابخانه و انتقال آنها به گروه فرهنگ و ادب اسلامی بنیاد پژوهشها، با حوصلهٔ تمام، تفکیک و دسته‌بندی دوبارهٔ آنها ـ که در این فاصلهٔ زمانی دراز نظام فیشها از هم پاشیده بود ـ آغاز شد. کسریهای آنها دوباره با زحمت زیاد از قرآنهای خطی استخراج گردید و سپس فیشهای متعلق به هر قرآن در فایل مخصوص قرار گرفت. همزمان با کامل و مرتّب کردن یادداشتها، چندین قرآن کهن دیگر از میان همان قرآنهای سابق که قبلاً شناسایی گردیده بود، فیش‌بردای شد و این کار چند سال وقت گرفت. پس از تنظیم نهایی، مرحلهٔ استنساخ فرارسید. نخست درنظر بود که عین طرح و نظر مرحوم استاد رجایی مرعی باشد، اما پس از جلسات متعدد هیأت مدیرهٔ محترم بنیاد و ملاحظهٔ جنبه‌های علمی و فنی کار، طرح فعلی کتاب به تصویب رسید. آماده شدن این فرهنگنامه تا پاییز ۱۳۷۲ که جلد اول آن منتشر گردید، طی دو مرحله، نزدیک به شانزده سال زمان برده است: دورهٔ اول از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۲ با زعامت دکتر احمدعلی رجایی بخارایی و دوره دوم که از سال ۱۳۶۳ با میانداری و سرپرستی دکتر محمّدجعفر یاحقّی شروع شده و هنوز ادامه دارد.[1] در خلال این مدت نسبتاً دراز، اعضای پاکدل و راستکار فرهنگنامه برای رسیدن به هدف و مقصد نهایی تلاشها کردند و خون دلها خوردند. در مرداد ماه ۱۳۵۷ هیولای سرطان، سرانجام، پی‌افکن و مؤسّس فرهنگنامه را پی کرد و از پای درآورد.

دو تن دیگر از اعضای سازمان فرهنگنامه نیز در طی این سالها به جهان باقی شتافتند و دیگر یاران مانده، کار را با رنج فراوان تا به این مرحله رسانیدند.

ارزشمندیهای فرهنگنامهٔ قرآنی

هر چند کتاب فرهنگنامهٔ قرآنی خالی از ایراد و اشکال نیست و احتمال می‌رود شیوهٔ تنظیم مدخلها و کیفیّت تدوین و یا جنبه‌های دیگر آن مورد نقد و بررسی قرار گیرد، در عین حال نمی‌توان ارزش و سودمندیهایش را نادیده گرفت؛ بویژه این که براساس

---

۱ ـ برای اطلاع از چگونگی تدوین و مراحل چاپ فرهنگنامهٔ قرآنی رجوع کنید به: سیّد محمود خسروانی شریعتی، «فرهنگنامهٔ قرآنی»، مشکوة، شمارهٔ ۳۴، بهار ۱۳۷۱، ص ۲۰۶-۲۰۳، ایضاً از همان نویسنده، «آشنایی با فرهنگنامهٔ قرآنی»، روزنامهٔ قدس، شمارهٔ ۱۷۸۷، سه‌شنبه ۳ اسفند ۱۳۷۲ برابر با ۱۱ رمضان ۱۴۱۱.

کهنترین برگردانهای یکصدوچهل‌ودو قرآن نفیس تدوین شده و تاکنُون در این زمینه با این گستردگی کاری صورت نپذیرفته است.

به طورکلّی اگر فرهنگهای قرآنی با اصول صحیح علمی و نظام‌مندانه تنظیم و تألیف گردند، به طوری که محقّقان و اهل فن بتوانند مستقیماً با تکیه به مندرجات آنها به پژوهش پردازند و قیاس برگیرند، در آن صورت این نوع فرهنگها از دیدگاههای گوناگون می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند. در زیر به پاره‌ای از سودمندیهای کلّی آن برگردانهای کهن که در این فرهنگنامه جمع آمده است، اشاره می‌شود:

ـ بررسی این ترجمه‌ها می‌تواند از لحاظ شناخت سیر تاریخی ترجمه‌های قرآن در روزگار ما، مفید و گره‌گشا باشد.[1] البته مقصود این نیست که آنان صرفاً واژه‌های مرده و ناآشنا را از دل این برگردانها به درکشند و در ترجمه و تفسیرهای خود به کار گیرند؛ بلکه با درک معانی و برابرهای قرآن می‌توان «با زبان محکم و پیراستهٔ پیشینیان انس گرفت و اصول و ضوابط آن را استخراج کرد و آموزش داد».[2]

مترجمان قرآن ـ امروزه ـ از این گنجینه‌های پرارج چندان بهره نمی‌برند. صاحبنظری در این باب می‌نویسد: «یکی از راههای توان بخشیدن به زبان فارسی، غور در متون گذشته و فایده برگرفتن از آنهاست. این استفاده از دو نظر عمده صورت پذیر است: یکی سود جستن از واژه‌ها و ترکیبات و تعبیرات آنها برای ادای مفاهیم گوناگون، دیگر آن که می‌توان دید دستگاه واژه‌سازی زبان فارسی، در دست نویسندگان آنها، بر چه منوال در حرکت و پویایی بوده است و سرمشق و شیوهٔ کار در این زمینه چیست؟».[3]

در همین روزگار فعلی، مسلمانان فارسی‌زبان سراسر عالم و بویژه جوانان دین‌پژوهِ کفرستیز ـ به علت سیاستهای خاصّ استکبار جهانی ـ بیش از هر دوره‌ای، برای درک معانی کلام الهی به ترجمه‌های فارسی متنوع، روزآمد، روان و در عین حال صحیح قرآن مجید سخت نیازمندند.

در مورد کیفیّت و ویژگیهای ترجمهٔ مطلوب قرآن ـ این آرزوی دیریاب ـ از گذشته تا امروز ـ بسیاری از قرآن‌پژوهان اندیشیده و نظر داده‌اند؛ امّا آنچه مسلّم است این که

---

۱ ـ رک: غلامرضا ستوده، *مرجع شناسی و روش تحقیق در ادبیّات فارسی*، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها «سمت»، تهران، ۱۳۷۱، ص۴۶۴.

۲ ـ دکتر محمّدجعفر یاحقّی، «مقدّمه ای بر متون تفسیری پارسی» همان مجله، ص۱۸۷.

۳ ـ دکتر غلامحسین یوسفی، *کاغذ زر*، انتشارات یزدان، تهران، زمستان ۱۳۷۱، ص۱۷۹۰.

تدوین چنین ترجمه‌ای، دیگر از عهدهٔ یک فرد خارج است. باید گروهی از دانشمندان و استادان با تخصّصهای مختلف در زمینهٔ علوم قرآنی ـ اعم از عربی و فارسی ـ دست به دست هم دهند و چنین ترجمه‌ای را پدید آورند.

ـ این ترجمه‌ها حتّی‌الامکان در شناخت گویه‌ها و گویشهای زبان فارسی و فنوتیک به پژوهشگران زبان‌شناس کمک می‌کند. توضیح این که هر یک از مترجمان این قرآنها بنا به سلیقه و ادراک خود، نزدیکترین واژه به مفهوم قرآنی را از گونهٔ زبان خویش برمی‌گزیده‌اند، تا مردمی که در حوزهٔ ادبی آنان می‌زیسته‌اند، بتوانند به آسانی معنی آیات قرآن را دریابند. از این روی بیشترین موارد ناهمگونی گویشها را می‌توان در این ترجمه‌ها دید و در تهیهٔ اطلس لهجه‌شناسی ایران از آنها سود برد. «طرفه این که با فتوحات اعراب و گسترش اسلام در ایران، در سرزمینهای ایران، بخت به گویش پارسی رو کرد. این زبان مشترک، در عین وسعت بخشیدن به حوزهٔ خود، آنچنان که گویش‌شناسی امروزی ایران، نمایانگر آن است، رنگهای محلّی گوناگون نیز گرفت. بی‌گمان، آگاهی بر سهم این گونه‌های محلّی در شکل‌گیری زبان ادبی جالب خواهد بود».[1] تفاوت زبان ترجمه‌های غیررسمی و منطقه‌ای با آثار ادبی فارسی در این است که چون متون رسمی ادبی در جهت «تکامل به سوی استقرار زبان معیار» پیش می‌رفته‌اند، لذا ناهمگونیهای واژگانی و نحوی زبان در آنها بسیار کمتر از آثار غیر ادبی است.[2]

ـ با جمع‌آوری لغات فارسی سره از ترجمه‌های میان سطری قرآنها، می‌توان به غنا و توسعهٔ فرهنگهای فارسی افزود. بسیاری از لغات فارسی سره در این ترجمه‌ها آمده است که گردآوری آنها برای تألیف فرهنگ جامع فارسی ضروری می‌نماید. وجود قرآنهای ترجمه‌دار آستان قدس رضوی سبب شده است تا گنجینهٔ عظیمی از لغات و ترکیبات زیبا و کم‌یافت زبان فارسی از دستبرد تلف و نابودی درامان ماند. ***فرهنگنامهٔ قرآنی*** واژه‌ها و ترکیباتی در سینه دارد که برخی از آنها تاکنون در هیچ فرهنگی دیده نشده است. معانی این نوع لغات را فقط از راه معادل عربی آنها می‌توان دریافت و تلفّظ و ریشهٔ بسیاری از آنها بر ما روشن نیست.

---

۱ ـ ژیلبر لازار، «پرتوی نو بر چگونگی شکل‌گیری زبان فارسی: ترجمه‌ای از قرآن به پارسی گویشی»، ترجمهٔ احمد سمیعی، مجلّهٔ *زبانشناسی*، سال چهارم، شمارهٔ اول و دوم، ۱۳۶۶، مرکز نشر دانشگاهی، ص۵۹.

۲ ـ رک: *قرآن قدس*، ص۱۰.

ـ بدان جهت که مترجمان این قرآنها در جاهای متفاوت و پراکنده می‌زیسته و طرز فکر و اعتقادی خاصّ داشته‌اند، طبعاً به طور ناخودآگاه نقشی از زمینهٔ فکر و اعتقاد خود را در این ترجمه‌ها برجای گذاشته‌اند که بررسی آنها برای تتبّع در طرز فکر فرق اسلامی درخور توجّه است.

ـ ترجمهٔ هر یک از مترجمان براساس یک نوع قراءت بوده است و بنابر مکتب و متنی خاصّ، معنی ویژه‌ای را آورده‌اند. البته این نوع اختلافات بیشتر در مورد افعال، بارز است. گردآوری این واژه‌ها و ترکیبها با قراءتهای مختلف هم وسعت دایرهٔ زبان فارسی را می‌رساند و هم برای رسیدن به وجوه قرآن کریم اهمیّت دارد.

ـ پژوهش در این نوع ترجمه‌ها، می‌تواند در شناخت صورتهای گذشته، حلّ معانی مبهم واژه‌های فارسی میانه و همچنین شناخت نسخه‌ها و ویرایش متنهای کهن به محقّقان یاری رساند.[۱]

ـ استخراج و تدوین نکات دستوری این قرآنها، می‌تواند به غنا و توسّع دایرهٔ دستور زبان فارسی بیفزاید. در این قرآنها می‌توان سیر واژه‌ها را از جهت دستور تاریخی بررسی کرد.[۲]

ـ مقایسهٔ کلمات قرآنی با برابرهای شیوای آن در این فرهنگنامه، میزان توانایی و قابلیّت زبان فارسی را در برگردانیدن مفاهیم قرآنی نشان می‌دهد. از این رهگذر به نکاتی ظریف و دقیق در لابه‌لای ترجمه‌ها می‌توان رسید.

ـ پژوهش در اصل قرآنهای مترجَم که مشخّصات کامل ۱۴۲ نسخه از آنها در «جدول معرّفی اجمالی قرآنها خطّی فرهنگنامهٔ قرآنی» آمده، از جهت هنر کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی قابل توجّه است؛ زیرا می‌توان در آنها شیوه‌های کتابت و سیر تاریخی رسم‌الخط را ملاحظه کرد و به شناخت و تکمیل اطلاعاتی دربارهٔ انواع خط «ثلث، ریحان، کوفی، محقق، نستعلیق، نسخ» تذهیب، تجلید و دیگر هنرهای اسلامی دست یافت. این دستنویسهای نفیس که در گنجینهٔ قرآن آستان قدس در جلوه‌اند، دنیایی نو آیین در برابر هر بینندهٔ هنرشناس می‌گشایند.[۳]

---

۱ ـ رک: دکتر محمّدتقی راشد محصّل، «دربارهٔ ویژگیهای تفسیر شنقشی»، ***مجلهٔ فرهنگ***، کتاب سیزدهم، زمستان ۱۳۷۱، ص ۹۵-۸۱.

۲ ـ رک: دکتر علی رواقی، «کهن‌ترین برگردان قرآن به فارسی»، همان مأخذ، ص ۱۸-۱۵.

۳ ـ رک: مقدمهٔ ***فرهنگنامهٔ قرآنی***، ص ۲۲.

ـ این ترجمه‌های کهن از نظر گونه‌های فارسی و آواشناسی قابل بررسی است و همچنین «... تبدیلاتی که در ساختارهای نسخه‌نویسی در تاریخ زبان فارسی روی داده است و می‌توان گوشه‌هایی از آن را از طریق نسخه خطّی فارسی و متون کهن و متأخّر و سنجش آنها با گونه‌های اصیل زبان بازیافت و بازنمود».[۱]

ـ با توجّه به شیوهٔ گفتار و طرز و هنجار این ترجمه‌ها و تقسیم‌بندی آنها، می‌توان به معیارهایی دست یافت که تا حدودی منطقهٔ تألیف و کتابت آنها را تعیین کرد. همچنین این نوع ساختارها و کاربردها می‌تواند گسترهٔ سبک‌شناسی را توسعه دهد.[۲]

ـ فرهنگنامهٔ قرآنی می‌تواند مورد استفادهٔ دانشمندان و محققان محترم «فرهنگستان زبان و ادبیّات فارسی» قرار گیرد؛ زیرا ترکیبات و پیشوند و پسوندهای بسیاری در آن یافت می‌شود که می‌توان به وسیلهٔ آنها بعضی عناصر زبانی را قوت بخشید و به کمک آنها واژه و ترکیبات جدید ساخت.[۳]

ـ نویسندگان، شاعران، مترجمان کتب خارجی، کارگردانان و هنرمندان فیلم و تئاتر و سریال که به نوعی نیاز به تشخّص و آرکائیسم واژگانی و ساختهای کهنهٔ زبان دارند، می‌توانند از واژه‌های ناب و ترکیبات شیرین و گاه عبارتهای فعلی آهنگ‌دار این فرهنگ بهره جویند.

کوتاه سخن این که چون ترجمهٔ قرآن اساسی‌ترین عامل آمیزش خط و زبان و فرهنگ فارسی و عربی بوده، لذا پیدایش هنرها و دانشهای بسیاری را در کنار خود فراهم آورده است که همه از دولت قرآن مجید می‌باشد.

بنیاد پژوهشهای اسلامی، با انتشار این فرهنگ به احیای گنجینه‌های عظیمی از دستاوردهای فکری مترجمان دانشمند گذشته ـ در زمینهٔ برگردانهای فارسی قرآن ـ دست یازیده است. چشم آن داریم که این مؤسسهٔ بزرگ و شریف که منتسب به حضرت ثامن‌الحجج علی بن موسی الرضا(ع) است بتواند بیش از پیش در زنده کردن میراثهای علمی و فرهنگی ایران اسلامی و گسترش علوم قرآنی و سنّت رسول اکرم(ص) و انتقال معارف درخشندهٔ مکتب تشیّع به سراسر جهان، موفق و پیروز باشد.

---

۱ ـ نجیب مایل هروی، *کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی*، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲، ص۸۹.

۲ ـ رک: دکتر علی رواقی، *قرآن قدس*، ص۱۶.

۳ ـ رک: همان مأخذ، ص۱۷.

مطلب دیگری که در معرفی و نقد و نظر پیرامون فرهنگنامه قلمی گردیده است با عنوان عربی «کتبتُ قصّة شِوقی» به قلم آقای محمّدرضا مروارید، معاون‌محترم پژوهشی بنیاد که در *بنیادنامه* شماره۳، آذرماه۷۳، ص ۷-۱۲ به چاپ رسید، که بخشی از آن را برای خوانندگان این دیباچه می‌آوریم:

ایرانیان در پی گروش به اسلام، به آهنگ قرآن‌پژوهی، فراگیری زبان عربی را آغازیدند، و در این حوزه خوش درخشیدند. قرآن‌پژوهیِ ادیبان سخن سنج ایران، از یک سو به بالندگی مطالعات زبانشناسی عربی انجامید، و از دیگر سو در رساندن پیام وحیانی به پارسی‌زبانان شیفتهٔ قرآن، سخت کارگر افتاد.

اندیشهٔ گردآوری برابرنهاده‌های واژگان قرآنی، و تنظیم و تدوین فرهنگنامه‌ای که معادل‌یابی‌های ناب فارسی را در برداشته باشد، از سالها پیش سودای انجمنی از ادب‌دوستان همداستان بود که بر پایهٔ دهها نسخهٔ خطی کهن از قرآنهای مترجم موجود در گنجینهٔ قرآن آستان قدس رضوی کار خویش را پیش گرفتند، و اینک نخستین جلد این مجموعهٔ پنج جلدی فراپیش ماست.

فرهنگنامهٔ قرآنی که کار آن در گروه فرهنگ و ادب اسلامی بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی به سامان رسیده، به تعبیر درست نخستین پدیدآورندهٔ آن «مستندترین فرهنگ قرن ما» است و کسانی که آن را در دست دارند در آن هیچ واژهٔ قرآنی را نخواهند یافت که یک یا چند معادل ناب فارسی برای آن نشان نداده باشد، برابرنهاده‌هایی کم نام‌ونشان و بعضاً نابشناخته که به اعتبار شناخت تبدیلات آوایی زبان پارسی و سیر تحوّل ترجمهٔ قرآن در نزد ایرانیان بسی ارزشمند و با اهمیّت است.

در میان ۱۴۲ نسخه قرآن که در تدوین فرهنگنامهٔ قرآنی به کار آمده، تاریخ کهنترین نسخه به اوایل سدهٔ چهارم هجری برمی‌گردد که در آن ترجمه‌ای موزون و آهنگین از قرآن فراهم آمده است.

در این فرهنگنامه، که به ترتیب الفبایی هیأت مضبوط واژگان قرآن چیده شده است، در برابر هر واژه آیه‌ای از قرآن که برگردان فارسی براساس آن شکل گرفته، با شمارهٔ سوره و آیه آمده، پس از برابر نهاده‌های پارسی، شمارهٔ نسخه‌ای از قرآن که آن را در بردارد یاد شده است.

فرهنگنامهٔ‌قرآنی گواهی‌است دیگربررویکرد گستردهٔ‌ایرانیان‌به اسلام‌وقرآن، و کوشش فراوان‌و تلاش عالمانه‌شان در فهم‌ودرک درست و رساندن پیام آیین ماندار محمّدی صلی‌الله‌علیه‌وآله.

اینک گو این که نخستین جلد از این فرهنگنامه انتشار یافته و حروفچینی سایر مجلّدات آن نیز به پایان رسیده است، شایسته می‌نماید چند نکته را که در خلال بررسی کتاب به آن رسیده‌ایم بازگوییم:

۱ ـ این فرهنگنامه برپایهٔ تلاش دهها تن از عالمانی پدید آمده است که در طول قرنها ترجمه‌هایی سخته از قرآن را فراهم آورده‌اند، که ارزش و اهمیّت کار سترگ ایشان پیش از این یادآوری شد و شرح مفصلتری از آن در مقدمهٔ کتاب به خامهٔ استاد محترم آقای دکتر یاحقّی آمده است. اما سوگمندانه باید گفت که در هیچ جایی از این کتاب، نه در مقدمه و نه در ۳۸ صفحه جدولهای مشخصات نسخه‌ها، نام و نشانی از این آفرینندگان اصلی به چشم نمی‌خورد.

۲ ـ مدخلها به ترتیب الفبایی هیأت واژگان ردیف شده، و در این میان، ترکیباتی خارج از این ترتیب، در متن کتاب آمده که با نشانهٔ ستاره نمایان شده است. این موضوع که مبنای کار گروه پدید آورنده بوده، در هیچ جا یادآوری نگردیده، شاید به این دلیل که در همه جا مورد عمل قرار نگرفته است. (رک: ص۳۰۳ مَدخل «أو قُتل»)

۳ ـ اصولاً باید پرسید مخاطبان اصلی این فرهنگنامه چه کسانی هستند که در تعلیقات پیاپی و فراوان، واژه‌ها را برایشان معنی می‌کنیم؟ وقتی در ذیل مدخل «الالقاب» (ص۲۳۳) واژه‌های «پاژنامها» و «پاچ‌نامه» آورده می‌شود، چه توجیهی دارد که در یک تعلیقه بگوییم: پاژنامها: لقبها و در دیگری: پاچ‌نامه: لقب، یا در صفحات ۲۴۴ و ۲۶۰ «ار» را به «اگر» معنی کنیم، یا در صفحهٔ ۱۹۶ «نگاه‌داری» را به حمایت؟

۴ ـ یکی از اهداف تدوین این فرهنگنامه، دستیابی به گونه‌های املایی یک واژه در گویشهای مناطق و دورانهای مختلف است؛ بنابراین ضرورتی ندارد که در خصوص واژه‌های گوناگون، در پای صفحات اظهارنظر شود.

۵ ـ در برخی از صفحات یک واژه بعینه یا صیغه‌های صرفی مختلف آن در پاورقی معنی شده است که هیچ نیازی به آن نبوده است.

۶ ـ در این فرهنگنامه با واژه‌های ناب و زیبایی روبرو می‌شویم که به چند مورد آن اشاره می‌شود:

خوشنما: بَهیج؛ گروش و باور داشت: ایمان؛ نخستان: اَوّلین؛ دشتیان: اعْراب؛ آزور: حَرِیص؛ خورداران / خورندگان: آکِلُون؛ پس آیندگان: آخَرین؛ آمَدار: اِتی

۷ ـ در دهها مورد از پاورقیهای فرهنگنامه با اشاره به واژه‌ای گفته شده است: «کذا در متن

اصلی» یا پس از این تعبیر جمله‌ای دیگر نیز افزوده‌اند، که با عنایت به هدف اصلی کتاب که همانا آشنایی با معادلهای گوناگون یک واژهٔ قرآنی در زمانها و مکانهای مختلف است، اصل آوردن چنین تعبیری درست نیست؛ چه، اگر قرار بر این باشد، باید در هر صفحه بیش از ده تعلیقه آورد و این جمله را تکرار کرد.

البتّه، شکّ نیست که همهٔ این ایرادها و اشکالات و حتی انتقادهای احتمالی آینده بر جنبه‌های مختلف این فرهنگنامه، به هیچ وجه از ارزش و اهمیّت این اثر مهم و ماندنی نخواهد کاست، و سالیانی دراز همچون یکی از مهمترین کتابهای مرجع در مطالعات زبانشناسی پایدار خواهد ماند. با امید بـه بـهره‌گیری بیشتر از ***فرهنگنامهٔ قرآنی*** در پاسداشت زبان زیبا و دلنشین پارسی، برای همهٔ دست اندرکاران این مجموعهٔ گرانسنگ آرزوی توفیق داریم و مشتاقانه به دیگر مجلّدات آن چشم دوخته‌ایم.

* * *

مطلب دیگر چاپ شده در مورد ***فرهنگنامهٔ قرآنی*** نوشتهٔ آقای علی محمّد هُنر تحت عنوان «نگاهی به دو کتاب» در مجلّهٔ ***کلک*** (شمارهٔ ۷۲-۷۱، بهمن و اسفند ۷۴) است. به بخشی از آن اشاره می‌کنیم:

کتاب‌خوانها و کتاب‌شناسان به‌خوبی می‌دانند که گنجینه‌ای بی‌همال از قرآنهای خطّی، به مرور زمان در آستان قدس فراهم شده است. برخی از آنها دارای معادلهای فارسی هستند که از دیدگاه زبان فارسی بی‌اندازه پراهمیّت می‌باشد. برای کسانی که با کتاب خدا مأنوسند و می‌خواهند هر آیه را بدرستی بفهمند، چنین مجموعه‌ای گرانبها که نتیجهٔ سالها تلاش و کوشش مورچه‌وار گروهی از انسانهای مؤمن و غالباً ناشناخته است بیشترین یاریها را می‌رساند.

نکته‌های دستوری و بلاغی نیز در این ترجمه‌ها بی‌شمار است و همّتهایی مردانه لازم است که نکته‌های ناشناخته را در هر مورد بازیابند. خلاصه آن که چنین ترجمه‌های دقیقی نه تنها گنجینهٔ لغات فارسی را بسیار غنی و توانمند می‌سازد، بلکه برای تدوین دستور و سبک‌شناسی، تاریخ ادبیّات، معانی، بیان و... نیز به کار می‌آید. جلد اوّل و دوم فرهنگنامهٔ قرآنی اینک منتشر شده است و بی‌صبرانه چشم آن داریم که مجلّدهای دیگر این کتاب داشتنی و خواندنی، با همین پاکیزگی و بایستگی، هر چه زودتر به دست خوانندگان برسد. شکّی نیست که استفاده‌کنندگان از این کتاب، کوشش و تلاش مردانهٔ

مؤلّفان و نظارت‌کنندهٔ محترم را قدر می‌دانند.

***

آخرین مطلبی که تا امروز (فروردین ۱۳۷۶) در مورد فرهنگنامهٔ قرآنی به نظر این‌جانب رسیده است مقالهٔ «فرهنگنامهٔ قرآنی» نوشتهٔ آقای معین‌الدّین آل تقی است مندرج در **رشد معلّم** (شمارهٔ مسلسل ۱۲۲، شمارهٔ ۴، دی ماه ۱۳۷۵، ص ۱۹-۲۱) که ضمن سپاس از نویسندهٔ محترم تنها به ذکر دو بند کوتاه از این مقاله کفایت می‌شود:

> فراهم آوردن واژه‌نامه‌ای کاملاً فارسی، حتّی بدون ترکیبهای عربی و فارسی، برای واژگان قرآن کریم که به رؤیا می‌مانست و آرزویی دست نیافتنی جلوه می‌کرد، حاصل کار دانشوران روزگار ماست که با تلاشی چندین ساله و بر اساس ۱۴۲ نسخهٔ خطی کهن محفوظ در کتابخانهٔ مرکزی آستان قدس رضوی، با نام فرهنگنامهٔ قرآنی فراهم آمده است.
>
> مؤلّفان این اثر شریف، شاگردان مرحوم «دکتر احمدعلی رجایی بخارایی»اند و تألیف گرانقدرشان ادامه، گسترش و تکمیل اثر آن مرحوم، موسوم به ***فرهنگ لغات قرآن خطی آستان قدس رضوی***، شمارهٔ ۴ با ترجمهٔ کهن فارسی است. با این تفاوت که نسخهٔ شمارهٔ ۴ تنها یکی از ۱۴۲ نسخهٔ مورد استفادهٔ مؤلفان است.
>
> ... می‌دانیم که یکی از وجوه اعجاز قرآن عظیم، ترجمه‌ناپذیر بودن آن است، زیرا با هر زبان و سبکی که ترجمه شود، امکان انتقال تمام مفاهیم و ریزه‌کاریهای معنایی آن تقریباً وجود ندارد. به همین دلیل، ترجمه‌های گوناگون از قرآن، به هر زبان، با هم تفاوتهای بسیار دارند و مترجمان معترف‌اند که نتوانسته‌اند آب دریا را بکشند و هر یک به قدر تشنگی چشیده‌اند که برکات همین چشیدن به قدر تشنگی هم فراوان و لایُحصیٰ است.

دیباچهٔ این آخرین مجلّد از کتاب دیرینه سال فرهنگنامه را به پایان می‌برم با سپاسی دوباره از بقیةالسیف یاران همکارم که رنج تنظیم این واژه‌یاب را با شکیبایی بر خود هموار کردند و نام شریفشان به منظور حقگزاری بر روی این مجلد نیز ثبت شده است. سپاس مجدد از هیأت مدیرهٔ محترم و بویژه مدیرعامل دانشور بنیاد پژوهشهای اسلامی حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین علی‌اکبر الهی خراسانی را نیز بر ذمّهٔ خود می‌دانم که در برابر

ادامهٔ این کار از خود شکیبایی نشان دادند و یقین داشتند که «صبر تلخ است و لیکن برِ شیرین دارد.»

ادارهٔ انتشارات بنیاد در تدارک مقدّمات چاپ مجلّدات پیشین و به سامان رسانیدن تمامی این مجلّد با همکاری گروه رایانهٔ بنیاد کوششهای درخور سپاسی از خود نشان دادند، چنان که کارمندان و کارگران شریف مؤسسهٔ چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی هم در بخشهای لیتوگرافی، چاپ و صحافی برای طبع مجلّدات پنجگانه زحمتهای زیادی متحمّل شدند. سپاس و احترام به کار و کردار تمامی این عزیزان را وظیفهٔ خود می‌دانم و برای همگی از درگاه دادار بی‌مثال عزّت و کامیابی آرزو دارم. الحمدلله اولاً و آخراً

دکتر محمّدجعفر یاحقّی

واژه‌یاب فارسی

الف

ب

پ

ت

ث

ج

چ

ذ

ر

ژ

س

ش

ص

ط

ف

گ

م

ن

و

ه

ی

استدراک و غلط نامه

مجلّدات چهارگانهٔ فرهنگنامهٔ قرآنی

صفحه	ستون	زیرنویس	غلط	درست
۶		۱	آثاراً	ءِ اثاراً
۲۹	۲		وَنَجْعَلَهُمُ الوارثین	وَ نَجْعَلَهُمْ ائمةً وَ نَجْعَلَهُمُ الوارثین
۳۸	۱		با آن که از راه فرا رسد۱۰۷	آن که از راه فرارسد۱۰۷
۶۹		۱	لوشاه	لواشه
۷۶	۱		بر یکدیگر آمیخته	ترجمهٔ "اضغاث" است نه "احلام"
۷۶	۲		آبستنان و آبستنیها	مربوط به ذیل أُوْلاتُ الاحمال ص ۳۱۱ است.
۹۵	۱		درکردی ایما[4]	درکردی ایما[4] ۱
۹۵	۱		ادخلهم وادخلوا	ترجمهٔ لغات جابه‌جا شده است
۹۸	۲		پسرخُواندگان ۱۲۵	پسرخوانندگان ۱۲۵
۱۱۱		۵	اِرْتَضی۳	فَارتقب۳
۱۲۴		۱	مرخ	سرخ
۱۳۰		۸	گواه کنی	گواه کنید
۱۳۵		۵	ام	امر
۱۳۶		۳	راس	راست
۱۴۶	۱		بیناد	بنیاد
۱۴۸		۴	افزوارها	افزارها
۱۷۸	۱		اومیددام ۶۱	اومیددارم ۶۱
۱۷۹		۲	فرمای	فرمان
۱۹۹	۲		[دهد][1]	[دهد][2]
۲۰۶	۱		دورغ‌گویی ۶۱	دروغ‌گویی ۶۱
۲۰۶	۲		دورغ‌بافی ۱۲۲	دروغ‌بافی ۱۲۲
۲۱۱		۱	رزیدید	ورزیدید
۲۱۴	۲		وازراند[1]	وازراند[3]
۲۱۷	۲		بابسته‌تر ۱۹	بایسته‌تر۱۹
۲۳۲	۱		زقانها[1]	زقّانها[1]
۲۳۲	۲		کش[5]	کش[6]

صفحه	ستون	زیرنویس	غلط	درست
۲۳۲	۲		گشْن[۶]	گَشن[۷]
۲۳۴	۱		درانداختند ۱۱۱	درانداختند ۱۱۱
۲۴۲	۱		سخت دردگین	سخت دردگین ۸۳
۲۵۲	۱		فَرمُودَه شُوند	فَرمُودَه شُوَند ۵۵
۲۶۳	۱		نسیتم من ۳۰	نیستم من ۳۰
۲۶۵	۲		در آرد ۱	ورآرد ۱
۲۶۵	۲		درآوردیم ۱	ورآوردیم ۱
۲۶۷	۲		واز آوردی ۱	داد واز آوردی ۱
۲۷۱	۱		انبارآن ۹۴	انبازآن ۹۴
۲۷۱		۴	/	:
۲۷۴		۱	فروفرستاده شدند	فرو فرستاده شد
۲۹۵	۱		بارآیم ۷۴	بازآیم ۷۴
۲۹۸	۲		أَهْلِّ	أَهْلِ
۳۰۳	۱		وازآمدار	وازآمدار[۲]
۳۱۵	۱		:	-: اَفَتَتَّخِذُونَهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ اَوْلِياءَ مِنْ دُوني
۳۲۱	۲		برورش ۴۰	برورش[۵] ۴۰
۳۲۷	۲		کشتاران[۲]	گشتاران[۲]
۳۲۷		۲	کشتاران: کُشندگان	گشتاران: بیابانیان
۳۲۸	۲		دراکننده ۴۲	درازکننده ۴۲
۳۳۸	۱		اشترو گاف ۲۴	اشترو گاڤ ۲۴
۳۴۱	۱		بَخْنوَهَ[۱] ۱۰	بَخنَوه[۲] ۱۰
۳۴۳	۱		فرخ بگستردن ۱۰۶	فراخ بگستردن ۱۰۶
۳۶۱	۲		زمین مرده ۵۱	زمین ۵۱
۳۷۳	۱		ت:	تَ:
۴۰۹		۳	گندَمی	گندی
۴۲۲	۲		فُروداَد ۲	فُرود آید ۲
۴۵۴	۱		نه گردید ۱۲۴	نه‌گردید ۱۲۴
۴۷۱	۲		ربِزِیث ۵۵	رِیزِیث ۵۵
۴۷۷	۱		انباز نگیرید ۵۷	انباز بگیرید ۵۷
۵۱۴	۲		بنه‌آموزی ۱۰	بنه آمرزی ۱۰
۵۱۵	۲		لَمْ تَغْنِ	لَمْ تُغْنِ
۵۲۲	۱		أفزْون گردانیدن ۲	أفزون گردانیدن ۲
۵۲۴	۲		آلوفج خوانید	آلوفج خوانید ۷ مکرر
۵۳۱	۱		بگذره ۷۴	[illegible]
۵۳۲	۲		لاُتَفْفُ	لاُتَقْفُ
۵۸۴	۱		بر دست گزیده بود ۲۷	گزیده بود ۲۷

صفحه	ستون	زیرنویس	غلط	درست
۶۱۳	۱		ندن ۱۱۱	بدن ۱۱۱
۶۴۶		۲	براوُزَول	بروزَول
۶۷۳	۱		بار برگفت۲	بار برگرفت۲
۶۷۹	۲		وتوکّل‌علی‌الحی‌الّذی‌لایموت	إلاّ هو الحَیّ القیّوم
۶۸۲	۲		فحیُّوا	فَحَیُّوا
۶۸۸	۲		فرون‌منده۱۱۳	فرون مَنُدَه۱۱۳
۶۹۸	۱		رَویِ ۴۰	رَوِی ۴۰
۷۱۲	۲		آفرنش۱	آفرینش۱
۷۱۴	۲		آفریدنشت۱	آفرینشت۱
۷۱۵	۱		تنامانند۴۲	تنها مانند۴۲
۷۴۴	۱		بکلو درمانده ۱۲۴	بگلو درمانده ۱۲۴
۷۵۳	۲		پندا داده شدند۱	پند داده شدند۱
۷۵۵	۲		کتشار کردند۱	کشتار کردند۱
۷۵۹	۱		نرم وارم کردیم۳	نرم و رام کردیم ۳
۸۰۶	۲		برهم نشته۳	برهم نشسته۳
۸۱۷	۲		برگشه۹۲	برگشته۹۲
۸۲۳	۱		یَلیدکاری۵۵	پَلیِدکٰارِی۵۵
۸۳۹	۱		گشت ۳	کستی ۳
۸۷۱	۲		گرگرا	گراگر
۸۷۸	۱		رشتیها۵۳	زشتیها۵۳
۸۹۰	۱		پیدا کَرْدْنَدْ۵۳	پیدا کَرْدَنْدْ۵۳
۱۰۸۰	۲		به خداوند کری ۱۲۰	به خداوند کژی ۱۲۰
۱۰۹۶	۱		رشتهٔ مبان...۲۷	رشتهٔ میان...۲۷
۱۱۱۱	۱		اقزونیِ ۳۲	اڤرونیِ ۳۲
۱۳۰۹	۲		زیرکان ۹۸	زیرگان ۹۸
۱۳۸۱	۱		اَمرمیده۵۳	اَرمِیدَه۵۳
۱۴۹۱	۱		وامی‌پوشاینم۲۹	وامی‌پوشانیم۲۹
۱۵۱۷	۲		هرگز نشکنیم۱۰۹	هرگز نشکیبیم۱۰۹
۱۵۲۵	۱		و بیمرد ۷۲	و بمیرد ۷۲
۱۵۲۵	۱		... بسر زده باشند ۱۲۴	بسرو زده باشند ۱۲۴
۱۵۲۷	۲		... خود را ۳	... خرد را ۳
۱۵۲۸	۱		بکار بستیمی خود را۸۰	بکار بستیمی خرد را۸۰
۱۵۴۰	۲		وَ رُسُلاً لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْك	
۱۶۴۰	۱		پاک نگیرند۱	پاک نبرند۱